

تحلیلی بر وضعیت مرزهای زمینی بین‌المللی در منطقه هلال طلایی در مقابله با قاچاق مواد مخدر

امین هنرجو

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

حجت مهکویی^۱

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

مهدی مؤمنی

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

امیر گندمکار

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

چکیده

در حال حاضر در جهان، قاچاق مواد مخدر به عنوان یک تجارت پرسود برای تروریستها، قاچاقچیان و حتی برخی از دولت‌ها، در آمده است. منطقه هلال طلایی به عنوان کانون قاچاق مواد مخدر و ترانزیت آن به سایر نقاط جهان، به عنوان منطقه‌ای مرکزی معروف شده است. کشورهای واقع در این هلال، افغانستان، پاکستان و ایران هستند. در منطقه هلال طلایی، مرزهای زمینی این سه کشور، به عنوان محلی که قاچاقچیان برای فعالیت در زمینه ترانزیت مواد مخدر از آن بهره می‌برند، در آمده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایتهای اینترنتی، به دنبال تحلیل وضعیت مرزهای زمینی بین‌المللی در منطقه هلال طلایی در مقابله با قاچاق مواد مخدر است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به نقشی که قاچاق مواد مخدر در معضلات و مشکلات انسانی و زیست محیطی دارد و در دنیا دولت‌ها و سازمانهای بین‌المللی آن را نگرش می‌کنند و برای مقابله با آن قوانین سختی را وضع کرده‌اند، کماکان این مواد، تولید، توزیع و مصرف می‌شود و عده-ای از تجارت پرسود آن، بهره‌های فراوانی را می‌برند. مرزهای زمینی بین‌المللی سه کشور منطقه طلایی، همچنان به عنوان مأوایی برای قاچاقچیان و تروریستها تبدیل شده است و مدیریت آنها در مقابله با مواد مخدر ضعیف می‌باشد.

کلیدواژگان: مرزهای زمینی بین‌المللی، هلال طلایی، قاچاق مواد مخدر، افغانستان، پاکستان، ایران.

مقدمه

مرز به عنوان پدیده‌ای است که در جهان همواره برای تعیین حدود و قلمرو سرزمین میان دو یا چند کشور و چه در سطح داخلی برای تعیین حدود شهرها، روستاها و استانها، به عنوان عامل اصلی نقش‌آفرینی می‌کند. حتی انسان در زندگی شخصی نیز حریم و حدودی را برای روابط خودش تعیین می‌کند. مرزها همواره به عنوان پدیده‌هایی هستند که قلمرو سرزمینی کشورها را مشخص می‌کنند. مرزهای بین‌المللی همواره به عنوان تعیین کننده حدود و محدوده سرزمین برای یک کشور، نقش مهمی در ورود و خروج کالا، افراد و تفکرات دارند. مرز نوعی مانع است که جدایی بین دو ناحیه مختلف را مشخص می‌کند. البته، وقتی بیشتر ما به مرزها فکر می‌کنیم، تمایل داریم مرزهای سیاسی (که اغلب "مرزها" نامیده می‌شوند) را تصور کنیم. مرزهای سیاسی به معنای واقعی کلمه روش‌های زندگی ما را شکل می‌دهند، بنابراین آنها ارزش بررسی دارند (<https://study.com/academy/lesson/international-internal-boundaries-definition-function-.htm>). اما آنچه مسأله‌ساز است عدم کنترل دقیق و مدیریت ناصحیح مرزها می‌باشد که باعث بروز قاچاق می‌شود. این مسأله در منطقه‌ای که به هلال طلایی^۱ معروف شده است نمایان و بارز می‌باشد. در حقیقت سه کشور افغانستان، پاکستان و ایران، در کنترل مرزهای زمینی بین‌المللی خود، با چالشهای اساسی روبرو هستند. از آنجا که بررسی دلایل شکل‌گیری این چالشها، به عوامل و شرایط زیادی، مرتبط می‌باشد لذا موارد بسیاری از مسایل شکل گرفته تا پدیده قاچاق مواد مخدر در این بخش از آسیا، به عنوان یکی از مکانهای قانونی تبدیل شود.

به دلایل زیادی از جمله تجارت پر سود مواد مخدر، در برخی از مناطق و کشورهای جهان، کارتلها و شبکه‌های پیچیده و پیشرفته‌ای برای تولید، ترانزیت، قاچاق و در نهایت تجارت این مواد شکل گرفته است. یکی از مناطق مهم در این زمینه، در آسیا و در حاشیه هارتلند مکزیک قرار دارد که به هلال طلایی معروف است. هلال طلایی ترانزیت مواد مخدر، محدوده‌ای است که سه کشور پاکستان، افغانستان و ایران را در بر می‌گیرد. آسیا، بزرگترین و پرجمعیت‌ترین قاره جهان، سابقه طولانی در کشت تریاک دارد. دو تولید کننده بزرگ تریاک و هروئین، افغانستان و میانمار، هر دو در این قاره واقع شده‌اند. این قاره همچنین بزرگترین تولید کننده شاهدانه در جهان است. بعد از چندین دهه تغییر در فرهنگ مصرف مواد مخدر، آسیا، به ویژه آسیای جنوب شرقی، اکنون بزرگترین تولید کننده محرک نوع آمفتامین (ATS^۲) در جهان است. مواد مخدر غیر قانونی تولید شده در آسیا [و به ویژه در افغانستان] در داخل منطقه مصرف می‌شود یا به قاره‌های دیگر قاچاق می‌شود که این امر پیامدهای مهم اجتماعی، سیاسی و حقوقی را برای این قاره و پس از آن به همراه دارد (Gao, 2012 : 115).

ادامه کاشت و تولید مواد مخدر غیرقانونی در افغانستان باعث نگرانی عمده برای ایران، منطقه و جامعه بین‌المللی است. قاچاق مواد مخدر و مواد شیمیایی پیش‌ساز^۳ غیرقانونی به منطقه نیز باعث نگرانی عمیق است. تخمین زده می‌شود که ۳۷٪ کل هروئین افغانستان سالانه از افغانستان و پاکستان برای مصرف داخل کشور و همچنین انتقال به سایر بازارهای سودآور به ایران قاچاق می‌گردد. چالش دیگر افزایش تولید و قاچاق غیرقانونی محرکهای شبه

^۱. Golden Cerscent

^۲. Amphetamine-Type Stimulants

^۳. Precursor

آمفتامینی است. هر چند ستاد مبارزه با مواد مخدر دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای در زمینه کنترل این مواد داشته است. در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲)، ۷۴٪ کشف و توقیف جهانی تریاک و همچنین ۲۵٪ کشف و توقیف جهانی هروئین و مورفین، در ایران اتفاق افتاده است. البته این دستاورد همراه با هزینه بالایی بوده است چرا که از سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹) تا سال ۱۳۹۴ حدود ۳ هزار و ۸۰۰ نفر از کارکنان نیروی انتظامی در حین مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر جان خود را از دست داده و بیش از ۱۲ هزار نفر از آنان دچار معلولیت شده‌اند (مصوبه چارچوب همکاریهای توسعه‌ای سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران «۱۴۰۰-۱۳۹۶»، ۱۳۹۴). لاجرم این مقاله با رویکرد به نظریات و الگوهای مدیریت مرزهای بین‌المللی، به دنبال تحلیل وضعیت مرزهای زمینی بین‌المللی کشورهای منطقه هلال طلایی در مقابله با قاچاق مواد مخدر است؛ لذا مسأله اصلی این است که وضعیت مرزهای زمینی بین‌المللی سه کشور مذکور در این هلال، چگونه است؟ چرا این کشورها در کنترل قاچاق مواد مخدر، به یک وحدت رویه دست نیافته‌اند؟ با بررسی متغیرهای پژوهش یعنی متغیر قاچاق مواد مخدر که به متغیر مدیریت و کنترل مرزهای زمینی بین‌المللی در منطقه هلال طلایی وابسته است با رویکرد به نظریه مدیریت یکپارچه مرزی بررسی شده‌اند.

این مقاله بر اساس هدف کاربردی و از نوع کیفی و ماهیت روش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایتهای اینترنتی، با هدف تحلیل وضعیت مرزهای زمینی بین‌المللی در منطقه هلال طلایی در مقابله با قاچاق مواد مخدر، به بررسی آن پرداخته است. متغیر مستقل، مرزهای زمینی بین‌المللی و متغیر وابسته، قاچاق مواد مخدر در این تحقیق در نظر گرفته شده‌اند. پرسش اصلی مطرح شده این است که وضعیت مرزهای زمینی بین‌المللی در منطقه هلال طلایی در مقابله با قاچاق مواد مخدر چگونه است؟ لذا انگاره حاصل، این پاسخ را می‌دهد که مرزهای زمینی بین‌المللی در منطقه هلال طلایی در مقابله با قاچاق مواد مخدر، متأثر از تجارت پرسود است و در راستای مقابله با قاچاق مواد مخدر از نظر مدیریتی ضعیف عمل می‌شود.

پیشینه تحقیق

کمپل (۲۰۰۵)، در پژوهشی با عنوان روایت قاچاق مواد مخدر: اشکال روزمره، در مرز ایالات متحده-مکزیک، با روش توصیفی-تحلیلی یافته‌های قوم‌نگاری از مرز ایالات متحده-مکزیک را نشان می‌دهد که قاچاق مواد مخدر به یک فعالیت مشترک تبدیل شده است که سبب ایجاد یک سبک زیر فرهنگی از جمله موسیقی و فرهنگ مردم شده و کالبد شکافی که در اطراف قاچاق مواد مخدر دخیل است، نشان می‌دهد که میزان تجارت مواد مخدر بر روی ساکنان مرزی در سطوح مختلف تأثیر می‌گذارد. وی چنین نتیجه می‌گیرد که نابسامانی نسبت جمعیت به قاچاق مواد مخدر، همان‌طور که توسط کالبد شکافی روزمره مواد نشان داده شده و همچنین پیچیدگی فراوان آن در منطقه مرزی، یک چالش مستقیم برای این ایده است که دولت برنده جنگ مواد مخدر است.

عثمان و مجیدخان^۱ (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان ردیابی مواد مخدر از افغانستان به پاکستان و پیامدهای آن، بیان می‌کنند که قاچاق مواد مخدر از افغانستان به پاکستان یک معضل است که ریشه در سیاست جغرافیایی (ژئوپولیتیک) منطقه‌ای و رقابتهای جنگ سرد دارد. این نه تنها بزرگترین تهدید با پیامدهای شدید برای بخشهای اجتماعی و حکمرانی خوب در هر دو کشور بلکه امنیت منطقه‌ای است. قاچاق مواد مخدر پاکستان-افغانستان به عنوان یک

^۱. Tehseena Usman & Minhas Majeed Khan

تجارت سودآور و بزرگترین چالش برای حفظ روابط پاکستان- افغانستان در بسترهای محکم پدید آمده است. هر دو کشور در تجارت مواد مخدر از نزدیک ارتباط دارند. افغانستان بیشترین و با کیفیت عالی تریاک تولید می‌کند؛ در حالی که پاکستان یک مصرف کننده مهم، نقطه حمل و نقل و بازیگر مهم منطقه‌ای است که در تجارت مواد مخدر نقش دارد. مقاله حاضر، موضوع قاچاق مواد مخدر از افغانستان تا پاکستان را برجسته می‌کند. تلاش می‌شود تا راه‌ها و روشهای مناسبی برای رسیدگی به این مسئله را پیدا کند تا مشکلات موجود در تجارت مواد مخدر را در روابط دو جانبه آنها کاهش دهد. علاوه بر این، این رویکرد منطقه‌ای را برای اصلاح روابط پاکستان و افغانستان به عنوان یک نهاد واحد برای از بین بردن کشت خشخاش در افغانستان و صدور آن به پاکستان توصیه می‌کند.

سایانو^۱ (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان چرا دیوار مرزی مکزیک، کارتل‌های مواد مخدر را متوقف نمی‌کند، بیان می‌کند که در هر مکان و هر دوره - از چین باستان تا آلمان شرقی - دیوارها، شکستگی، شکاف، بی‌عدالتی ایجاد کرده‌اند. بنابراین وقتی یک سیاستمدار از ساخت دیوار خبر می‌دهد، اولین سؤالی که باید پرسیم این است: هدف آن چیست؟ و بعد: آیا اوضاع بهتر یا بدتر خواهد شد؟ در ۲۸ فوریه ۲۰۱۹، در نخستین سخنرانی خود در کنگره، رئیس جمهور دونالد ترامپ تعهد خود را برای از بین بردن کارتل‌های جنایی که مواد مخدر را در سراسر ایالات متحده پخش کرده‌اند تأیید کرد. وی بار دیگر تعهد خود را به "دیوار بزرگ" در امتداد مرز مکزیک به عنوان ستون اساسی استراتژی خود عنوان کرد و این تضمین را داد که این دیوار "سلاحی بسیار مؤثر در برابر مواد مخدر و جرم" خواهد بود.

پیشگاهی‌فرد و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان تبیین عوامل مؤثر در بحران‌زایی و مدیریت مرزهای ایران و پاکستان، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی عوامل مؤثر در بحران‌زایی و همچنین مدیریت مرزهای ایران و پاکستان می‌پردازند. هدف نگارندگان پاسخگویی به این پرسش بوده است که: عوامل مؤثر در بحران‌زایی مرزهای ایران و پاکستان کدامند؟ و ایران برای مدیریت مرزهای خود با پاکستان با چه چالش‌هایی روبرو است؟ نتایج این مقاله نشان داده است که ویژگیهای مرز از جمله تاریخچه مرز، نحوه‌ی شکل‌گیری و نوع مرز به همراه توان مدیریتی کشور در عرصه امنیتی و انتظامی و ویژگیهای فرهنگی و اقتصادی مناطق مرزی و همکاری‌های کشور همسایه از عوامل مؤثر در بحران‌زایی و همچنین مدیریت مرزهای ایران و پاکستان است. ضعف اقتصاد محلی، ضعف فرهنگی در مناطق مرزی، ناهمگونی با فرهنگ غالب کشور، نفوذ بنیادگرایی و تروریسم و نابسامانی اقتصادی و سیاسی همسایگان نیز مهمترین چالشهای ایران برای مدیریت بهینه‌ی مرزهای خود با پاکستان است.

افضلی و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان چالشها و ظرفیتهای نواحی مرزی شرق کشور در مقابله با قاچاق مواد مخدر، بیان می‌کنند که نواحی مرزی شرق کشور به دلیل اینکه کوتاه‌ترین، با صرفه‌ترین و مهمترین مسیر ترانزیت بین‌المللی مواد مخدر از شرق کشور به غرب جهان است، یکی از آسیب‌پذیرترین نواحی در مقابله با قاچاق مواد مخدر است. این مقاله با روش پیمایشی نیمه ساختار یافته انجام گرفته است. نتایج این مقاله نشان می‌دهند که چالش مرزها و نواحی شرقی کشور در ارتباط با قاچاق مواد مخدر در درجه نخست اقتصادی و بیشتر شدن دامنه فقر و بیکاری و در درجه بعدی، عوامل سیاسی، اجتماعی و طبیعی است.

^۱. Roberto Saviano

ادبیات نظری

مواد مخدر و قاچاق آن

مواد مخدر ترکیبات شیمیایی هستند که مصرف آنها تغییراتی شیمیایی بر روی سیستم عصبی ایجاد می‌کند و باعث ایجاد لذت، تغییر هوشیاری، بی‌حسی می‌شود. بنابراین پتانسیل ایجاد اعتیاد و سوءمصرف در آنها وجود دارد ولی شدت آن بسته به اثر ماده متفاوت است. همچنین نامی عمومی برای انواع مختلفی از داروها و ترکیبات طبیعی، شیمیایی است که معمولاً خاصیت تسکین دهنده و مسکن داشته اغلب به دلیل احتمال ایجاد وابستگی به مصرف جزو مواد اعتیادآور طبقه‌بندی شده و معمولاً خرید و فروش آنها ممنوع است. «مواد مخدر در تقسیم‌بندی اولیه از دو نوع خارج نیست یا منشأ طبیعی دارد که از خشخاش، شاه دانه و کوکا به دست می‌آید و یا مصنوعی است که از طریق آزمایشگاه استحصال می‌شود مانند مت‌آمفتامین و آمفتامین. مواد مخدر تأثیر عمیقی بر تمامی افراد و جوامع سراسر جهان دارد. در بعد فردی، این مواد، سلامت، زندگی و امنیت افراد را با خطر روبرو کرده است. در بعد ملی، رابطه مواد مخدر با جرایم باعث بروز مناقشات، معضلات اجتماعی، تضعیف دولتها و عقب‌ماندگی کشورها شده است» (محمدی و غنچی، ۱۳۸۵: ۹۰). از نظر تاریخی، استعمال تریاک، شیره و حشیش ابتدا در شهرهای مرزی افغانستان به لحاظ سابقه لشکرکشیهای گوناگون و حاکمیت استعمار انگلیس در شبه‌قاره (هند و پاکستان) و سیاست ترویج مواد مخدر از سوی آمریکا و حیثیت یک شاهراه تجارتي که افغانستان کسب کرده بود، رواج پیدا کرد (ظهوری حسینی، www.iichs.ir/Upload/Image/139410/Orginal/f438b895_ed6c).

انواع مواد مخدر

شایع‌ترین مواد افیونی غیرقانونی، تریاک^۱، شیره و سوخته تریاک، کدئین^۲، هروئین^۳ و مرفین^۴ هستند که مورد استفاده می‌باشند. تریاک از گیاه خشخاش به دست می‌آید و منشأ هروئین، کدئین و مرفین نیز همین ماده است. حشیش یا چرس^۵ هم نوعی دیگر از مواد مخدر است که از سر شاخه‌های گیاه شاهدانه^۶ به دست می‌آید. (شاهدانه در دوران باستان به گیاه اهریمن معروف بوده است). این ماده به عنوان دروازه اعتیاد شناخته شده و مصرف‌کنندگان هروئین، تریاک و کوکائین غالباً اعتیاد را با حشیش یا چرس آغاز کرده‌اند. کوکائین نیز ماده مخدر و افیونی دیگری است که شکل بلوری و سفیدرنگ دارد و از برگهای گیاه کوکا به دست می‌آید. اکستاسی و ال‌اس‌دی^۷ یا قرص شادی بخش از انواع دیگر و جدید مواد مخدر هستند که به صورت دارو و به اشکال مختلف: قرص، کپسول، پودر استنشاقی و برچسبهای پوستی عرضه شده و متأسفانه هر ساله مصرف آن رو به افزایش است؛ و درحالی که مضرات آن صد برابر حشیش است، جوانان و خانواده‌ها هیچ اطلاعی از عوارض آن ندارند. و بالاخره ماری‌جوانا^۸ که از گیاه شاهدانه به دست می‌آید و نامهای مختلفی نظیر گراس، علف، بنگ، سیگاری و امثال آن دارد، نوع دیگری از مواد مخدر است.

-
1. Opium
 2. Codeine
 3. Heroine
 4. Morphine
 5. Indian hemp-juice
 6. Hemp-seed
 7. Ecstasy & LSD
 8. Marijuana

در مجموع، مواد مخدر و استعمال آنها را می‌توان تحت سه دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. افسرده کننده و آرام بخش مانند (هروئین و باربیتوراتها)؛ ۲. شوق آور و محرک مانند (کوکائین و آمفتامین)؛ ۳. توهم‌زا مانند (ماری‌جوانا، اکستازی و LSD)؛ (ظهوری حسینی، ۲۰۱۲). (www.iichs.ir/Upload/Image/139410/Original/f4_38b895_ed6c)

جدول ۱. برآورد جهانی از مصرف کنندگان انواع مواد مخدر (۲۰۱۲)

نوع مواد	تعداد مصرف کننده (میلیون نفر)			شیوع (درصد)		
	بهترین برآورد	پایین	بالا	بهترین برآورد	پایین	بالا
شاهدانه (حشیش)	۱۷۷.۶۳	۱۲۵.۳۰	۲۲۷.۲۷	۳.۸	۲.۷	۴.۹
مواد مخدر (هروئین)	۳۳.۰۴	۲۸.۶۳	۳۸.۱۶	۰.۷	۰.۶	۰.۸
تریاک	۱۶.۳۷	۱۲.۸۰	۲۰.۲۳	۰.۳۵	۰.۲۸	۰.۴۳
کوکائین	۱۷.۲۴	۱۳.۹۹	۲۰.۹۲	۰.۳۷	۰.۳۰	۰.۴۵
مواد شیمیایی	۳۴.۴۰	۱۳.۹۴	۵۴.۸۱	۰.۷	۰.۳	۱.۲
اکستازی	۱۸.۷۵	۹.۴	۲۸.۲۴	۰.۴	۰.۲	۰.۶

منبع: UNODC SEA Opium Survey 2014

قاچاق

واژه قاچاق را می‌توان از دو بعد تعریف کرد. یکی تعریف لغوی قاچاق است که عبارت است از اینکه: قاچاق واژه‌ای ترکی و از لحاظ لغوی به معنای «کاری که پنهانی و با تردستی انجام شود» می‌باشد. در ترمینولوژی حقوقی، قاچاق این گونه معرفی شده است. بنابراین قاچاق به معنای: حمل و نقل کالا از نقطه‌ای به نقطه‌ای (خواه دو نقطه مزبور در داخل کشور باشد «قاچاق داخلی» خواه یک نقطه در داخله و یک نقطه در خارج باشد که آن را «قاچاق خارجی» می‌گویند) برخلاف مقررات مربوط به حمل و نقل به طوری که این عمل ناقض ممنوعیت یا محدودیتی باشد که قانوناً مقرر شده است. و اما در قانون انحصار تجارت خارجی، بند الف از ماده (۱۱) قانون فوق «قاچاق» را چنین تعریف نموده است: «کلیه اجناسی که بر خلاف مقررات این قانون وارد مملکت می‌شود قاچاق محسوب و به نفع دولت ضبط و فروخته می‌شود و مرتکبین به حبس از ۶ ماه الی یکسال محکوم خواهند شد.» (https://lawgostar.com).

قاچاق به عناوین مختلف دسته‌بندی می‌شود، قاچاق را می‌توان به قاچاق داخلی و خارجی تقسیم نمود. در این تقسیم بندی مبدأ و مقصد محموله قاچاق را در نظر گرفته و چنانچه این دو نقطه در یک کشور باشند قاچاق داخلی و در غیر این صورت قاچاق خارجی محسوب می‌شود. با لحاظ عوارض تعلق گرفته به کالا، قاچاق را می‌توان به قاچاق عوارض گمرکی و قاچاق عوارض بلدی تقسیم نمود. صدور و ورود کالاهای مجاز بدون دادن عوارض گمرکی، و حمل و نقل کالا در داخل کشور بدون دادن عوارض بلدی قاچاق و عوارض بلدی نامیده می‌شود. با توجه به ممنوعه بودن و نبودن کالاهای قاچاق، این جرم قابل تقسیم به قاچاق کالاهای ممنوعه و قاچاق کالاهای مجاز یا غیرمجاز تقسیم می‌شود. اما قاچاق مواد مخدر به استناد ماده ۲۶ تا ۳۲ قانون مجازات شامل مرتکبین قاچاق، خرید و فروش، تهیه و نگهداری، حمل و نقل انواع توتون و سیگار و انقیه و انواع کاغذ سیگار و متفرعات همچنین نگهداری و به کار انداختن ادوات توتونبری و ماشین‌های کاغذبری و صحافی کاغذ سیگار، سیگارپیچی و متفرعات که به موجب قانون اصلاحی انحصار دخانیات، انحصار به دولت یافته قاچاق محسوب و مرتکب به مجازات مقرر

محکوم می‌شود. امروزه یکی از خطرناکترین عوامل رواج مفاسد اجتماعی در سطح کشورهای جهان، آلودگی به مواد مخدر است. تحقیقات نشان داده بسیاری از معضلات یا مفاسد اجتماعی مانند سرقت، تهدید، قتل، آدم‌ربایی، اخاذی و... ناشی از آلودگی به مواد مخدر است (<https://lawgostar.com>).

مرزهای زمینی بین‌المللی و چگونگی مدیریت آنها

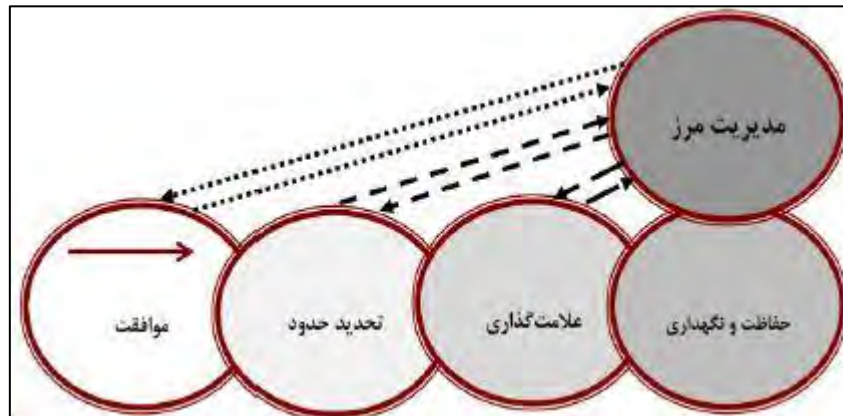
مرزهای سیاسی را می‌توان به چند طریق طبقه‌بندی کرد، اما ساده‌ترین آنها این است که: برخی از مرزها، کشورهای همسایه را تقسیم می‌کنند، و برخی، داخل کشور را تقسیم می‌کنند. هر دو مهم هستند اما بسیار متفاوت هستند. یک مرز بین‌المللی فضای بین دولتهای مستقل را مشخص می‌کند. دولتها در داخل مرزهای خود، یک دولت واحد، دارای اقتدار کامل است، اقتداری که نمی‌توان از سوی دیگر دولتها مانع آن شد. بنابراین مرز برای نمایندگی محدودیت، دورترین حد، فضایی است که یک حاکمیت بر آن حاکم است. به عنوان مثال مرزهای ایالات متحده حاکی از فضایی است که ما می‌توانیم آن را به عنوان کشور تعریف کنیم، یا فضایی که دولت فدرال ایالات متحده در آن اقتدار مطلق دارد. در مقابل، مرزهای داخلی فضاهای حاکمیت مطلق را نشان نمی‌دهند. (<https://study.com/academy/lesson/international-internal-boundaries-definition-function.html>).

مرزهای زمینی بین‌المللی، «به عنوان نقطه تماس میان کشورهای همسایه، در شکل‌دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی آنها نقش برجسته‌ای به عهده دارند. مرزها به طور مکرر مسبب تنش‌های بین دولتها بوده و قویاً کنش متقابل میان مردمانی که در مناطق مجاور هم به سر می‌برند را تحت تأثیر قرار داده‌اند. مرزهای [سرزمینی] بین‌الدول هر چه عمیق‌تر در چشم‌انداز سیاسی و فرهنگی جای بگیرند، دوام آنها بیشتر خواهند بود. مرزهای [سرزمینی] بین‌الدول باید مراحلی را طی کنند تا به درجه تکامل برسند، هرچند گفتنی است که باید توسط دو دولت ذی‌ربط به رسمیت شناخته شده باشند، علامت‌گذاری شده باشند و به طور کارآمدی اداره و نگاهداری شوند. جونز (۱۹۴۵) معتقد است که مرزها در راه تکامل خود باید از سه مرحله بگذرند: ۱. تفاهم بر سر مکان تقریبی مرز؛ ۲. تحدید حدود؛ ۳. علامت‌گذاری بر روی زمین.» (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۱۳۸-۱۰۱).

به این سه مرحله باید مرحله چهارمی نیز اضافه کرد، زیرا بعد از مرحله سوم که با علامت‌گذاری مرز بر روی زمین موافقت می‌شود باید بتوان آن را مدیریت کرد؛ بنابراین، مرحله چهارم، مدیریت مرزهای تفاهم شده است. «برای مدیریت مؤثر امنیت یا کنترل مرزهای خود، یک کشور باید فعالیت‌های مدیریت مرزی خود را به‌عنوان یک سیستم درک کند. دپارتمان آزمایشگاه امنیت ملی، آزمایشگاه‌های ملی سندیا^۱، با استفاده از سیستم‌های مهندسی و بنیادهای امنیتی، روشی را برای مدل‌سازی و تجزیه و تحلیل سیستم‌های مدیریت مرزی توسعه داده است. بر اساس پژوهش این آزمایشگاه، معماری مرجع شامل سه دیدگاه اساسی است که می‌تواند برای توصیف سیستم‌های مدیریت مرزی استفاده شود. [البته باید گفت که] مدیریت مرزی اغلب با چندین چالش مواجه است. اول، سیستم‌های مدیریت مرزی با حرکات قانونی افراد و کالاها روبرو هستند. حجم منحصر بفرد این ترافیک می‌تواند بر طراحی و عملیات بندرهای ورودی تأثیر بگذارد. ترافیک غیرقانونی مربوط به افراد و کالاها نیز باید شناسایی شود. دوم، عوامل سیاسی

¹. Sandia National Laboratories

و اقتصادی دیگری نیز وجود دارند که بر مدیریت مرزی تأثیر می‌گذارند. این چالش‌ها می‌توانند به طور گسترده‌ای به چالش‌های انسانی، کالایی، سیاسی و اقتصادی تقسیم شوند» (Duggan, 2008: 5-8).



نمودار ۱. مراحل تکامل خط مرزی

علمدار و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۲

چارچوب نظری تحقیق

در ارتباط با مدیریت مرز، مدل‌های مدیریتی چندی ارائه شده‌اند؛ اما مدلی که رویکرد این مقاله بر مبنای آن تبیین شده است مدل مدیریت یکپارچه مرزی^۱ است که در اینجا به آن اشاره می‌شود. این مدل با توجه به وضعیت کشورهای هلال طلایی، می‌تواند در مدیریت مرزهای زمینی بین‌المللی این کشورها کاربردی باشد. در واقع هر کدام از مؤلفه‌های چهارگانه مطرح در این مدل، اگر به طور علمی و عملی برای هر سه کشور به دقت مورد مذاقه قرار گیرند می‌توانند مرزهای مشترکشان را در مقابله با قاچاق مواد مخدر مدیریت نمایند.

مدل مدیریت یکپارچه مرزی

مدیریت یکپارچه مرزی، سازمان و آژانس نظارت بر فعالیتهای مرزی است تا بتواند چالشهای عمومی بر سر راه حرکات قانونی افراد و کالاها را مادامی که امنیت مرزها و نیازمندیهای قانونی ملی کشور برآورده شود را تسهیل کند. مدیریت یکپارچه مرزی می‌تواند به دو بخش تقسیم شود: الف) یکپارچگی داخلی بین سازمانهای دولتی در داخل یک کشور یا اتحادیه گمرکی؛ ب) یکپارچه‌سازی بین‌المللی بین کشورهای همسایه (افشردی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴-۳).

با توجه به این مدل، و دو زیر بخش مطرح شده در آن، مشاهده می‌شود که کشورهای دارای مرزهای بین‌المللی و مواجه با چالشها و بحرانهای مرزی آنچه که در مدل پیترو هاگت مطرح شده است و همچنین مسأله قاچاق مواد مخدر و ... نیاز به توجه اساسی و همکاری‌های دو و چندجانبه با یکدیگر دارند و گریزی از این موضوع و مسأله ندارند. مؤلفه‌های مطرح در این مدل عبارتند از:

۱. **تعهد سیاسی:** قبل از گام گذاشتن در تغییرات سازمانی برای توسعه مدیریت یکپارچه مرزی باید حمایت سیاسی از بالاترین سطح وجود داشته باشد. در اکثر کشورها این بدان معناست که دستور از نخست‌وزیر و یا مقام مشابه با آن در اقتدار بیش از آژانسهای مربوطه صادر گردد. تعهدات برای هر دو نوع مدیریت یکپارچه مرزی معمولاً شامل

^۱. Integrated Border Management Model

یک گروه کاری یا نیروی وظیفه که کار را انجام می‌دهد، می‌شود. همچنین نیازمند بررسی قانونی اساسنامه داخلی برای تعیین هرگونه اقتدار اضافی که ممکن است برای پیاده‌سازی مدیریت یکپارچه مرزی می‌باشد.

۲. پیاده‌سازی برنامه‌های مدیریت یکپارچه مرزی داخلی: همکاری یکپارچه داخلی اشاره به همکاری یکپارچه افقی در داخل یک کشور منحصر بفرود دارد. در این موارد، الزامات مأموریت همه سازمانهای نظارتی مرزی شناسایی شده و موافقتنامه‌هایی روی سیستم‌ها، عناصر داده‌ها و فرایندهای اجرای آن دست یافته است. متداولترین، کارآمدترین، یکپارچگی داخلی ممکن است منجر به ایجاد یک «پنجره واحد»^۱ شود اما مدیریت یکپارچه مرزی می‌تواند همچنین صرفاً بر اساس روشهای بهبود یافته شروع شود. مفهوم پنجره واحد سازماندهی سازمانها مرتبط با مرزها در قالب یک چارچوب کلی و ساماندهی آنها از طریق ارائه قوانین واضح و روشن بین آنها برای عدم تداخل در کارها، سیاستها و ... همچنین دستیابی به منابع مشترک و یکدست و عدم افتراق و چندباره کاری می‌باشد. استفاده از پنجره واحد در سراسر جهان در حال افزایش است.

۳. پیاده‌سازی برنامه‌های مدیریت یکپارچه مرزی بین‌المللی: برای پیاده‌سازی مدیریت یکپارچه بین‌المللی بهتر است به استراتژیهای مذاکرات منطقه‌ای و ملی بر اساس مسائل و مشکلات مدیریت مرز و همچنین اهداف آنها توجه شود. در راستای پیاده‌سازی این امر باید استراتژی تک‌تک کشورها و عوامل تأثیرگذار مورد توجه قرار گیرد.

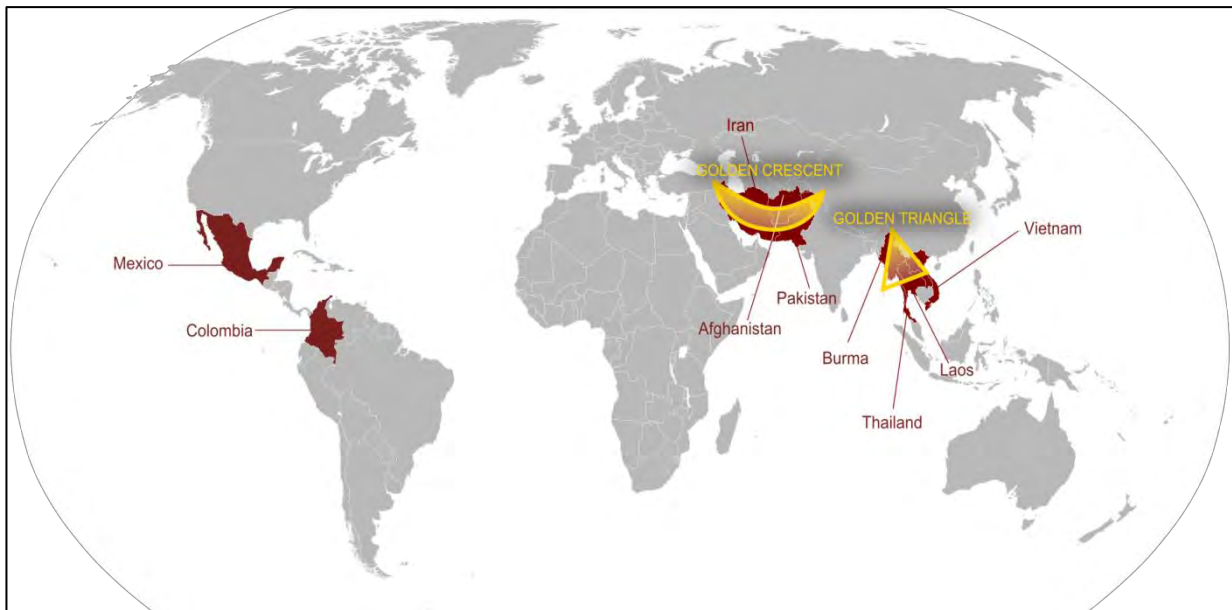
۴. ارزیابی و اندازه‌گیری و بهره‌وری: از جنبه‌های مهم هر برنامه مدیریت یکپارچه مرز، مدیریت و نگهداری است. عملکرد و نگهداری به وسیله کاهش هزینه‌ها و زمان در نقطه ورود و تضمین امنیت و منافع ملی می‌باشد. برای ارزیابی این عوامل، کشورها باید اطلاعات لازم برای ارزیابی بهره‌وری از برنامه‌های مدیریت یکپارچه مرزی را از دیدگاه‌های مختلف (ذینفعان، سازمانها و ...) را مورد بررسی قرار دهند تا بتوانند به نتیجه مطلوبی در این زمینه برسند (افشردی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹-۷).

یافته‌های پژوهش

معرفی محدوده مورد مطالعه

هلال طلایی به محدوده ترانزیت سه کشور افغانستان، ایران و پاکستان گفته می‌شود. این هلال، در آسیا و در حاشیه هارتلند مکنیدر قرار دارد که به هلال طلایی معروف است. (نقشه شماره ۱ را ببینید). وضعیت هر کدام از این سه کشور در ادامه تشریح شده‌اند. به دلیل نقش پررنگ و مهمی که این سه کشور در تولید (افغانستان) و ایران و پاکستان در توزیع و ترانزیت به همراه افغانستان دارند اصطلاح هلال طلایی را به آنها داده‌اند. جمعیتی بالغ بر ۲۸۰ میلیون نفر، در این هلال، با تهدید قاچاق مواد مخدر به طور مستقیم روبرو هستند. موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی سه کشور، در گسترش و توسعه ترانزیت مواد مخدر از هلال طلایی، مزید بر وضعیت بهتری شده است. در واقع این سه کشور، هر کدام پلی به بازارهای پرجمعیت‌تری هستند. افغانستان به بازار کشورهای آسیای مرکزی و چین، ایران به منطقه خلیج فارس، ترکیه، قفقاز و اروپا، پاکستان هم به شبه‌قاره هند، دسترسی دارند.

^۱. Single Window



نقشه ۱. موقعیت هلال طلایی و مثلث طلایی به علاوه مناطق مهم تولید کننده تریاک و هروئین در دنیا

منبع : <https://fa.wikipedia.org/wiki>

وضعیت قاچاق مواد مخدر در مرزهای زمینی بین‌المللی در منطقه هلال طلایی

مرز افغانستان و پاکستان نمونه‌ای از یک سرزمین مهار نشده است که به عنوان پناهگاهی برای منطقه مرزی بین افغانستان و «آزادی پایدار» گروه‌های تروریستی عمل می‌کند. در سالهای پس از عملیات پاکستان، به دلیل حضور بقایای القاعده و گروه طالبان نگرانی بین‌المللی ایجاد شد. شورشیانی که نیروهای دولتی و نیروهای ائتلاف علیه آنان در افغانستان می‌جنگند از مرزهای پر نفوذ افغانستان و پاکستان به داخل کشور پاکستان فرار می‌کنند چرا که می‌دانند با عبور از یک مرز بین‌المللی تحت تعقیب یا مورد حمله قرار نمی‌گیرند. پاکستان یک مرز طولانی ۱۵۰۰ مایلی با افغانستان دارد که حدود ۳۰۰ گذرگاه افغانستان را به خیبرپختونخواه و بلوچستان پیوند می‌دهند. این مرز طولانی و پر نفوذ که بخشهایی از آن دور از دسترس نیروهای دولتی است، زمینه را برای عبور و مرور و فعالیت گروه‌های افراطی در این دو کشور راحتتر کرده است. به گزارش رسانه‌های پاکستانی جنرال آصف غفور مسئول مطبوعاتی ارتش پاکستان اعلام کرده است مجراهایی در مرز دو کشور (افغانستان و پاکستان) جود دارند که تروریستها از آن رفت و آمد دارند. به گفته وی ۳۰۰ راه عبور در مرز دو کشور وجود دارد که گروه‌های تروریستی از آن استفاده می‌کنند (دبیری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۶).

در ۲۵ نوامبر ۲۰۱۰ - وزیران سه کشور افغانستان، ایران و پاکستان برای کنترل مواد مخدر، اقدامات خود را برای تقویت همکاری با یکدیگر در زمینه مقابله با قاچاق مواد مخدر در نشست سالانه طرح مثلثی دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل (UNODC) در اسلام‌آباد پاکستان، اتخاذ کردند. وزیر مبارزه با مواد مخدر افغانستان، آقای زرار احمد مقبل عثمانی^۲، دبیرکل ستاد کنترل مواد مخدر جمهوری اسلامی ایران، مهندس مصطفی محمد نجار^۳ و وزیر

¹. United Nations Office on Drugs and Crime

². Zazar Ahmad Moqbel Osmani

³. Mostafa Mohammad Najjar

فدرال کنترل مواد مخدر پاکستان، آقای ارباب محمد ظهیر^۱، با ایجاد دفاتر مرزی مضاعف موافقت کردند تا همکاری بین مقامات در اجرای هر چه بیشتر قانون افزایش یابد. علاوه بر این، وزیران متعهد شدند که کار برنامه‌ریزی مشترک را در تهران گسترش دهند که هدف از آن تبادل اطلاعات در مورد قاچاق مواد مخدر غیرقانونی است. همچنین در مورد سازماندهی بیشتر عملیات گشت‌زنی مشترک در مناطق مرزی سه کشور نیز توافق حاصل شد. علاوه بر این، وزیران توافق کردند که همکاریهای حقوقی را در زمینه‌های مربوط به مواد مخدر تقویت کنند.

آقای یوری فدوتوف^۲، مدیر اجرایی دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل، ضمن تبریک به این سه دولت، از پیشرفتهای حاصل در نشست سالانه، گفت: "کشورهای شما خط دفاع اول را در برابر جریان گسترده مواد مخدر غیرقانونی که امنیت را در سراسر منطقه و پس از آن تهدید می‌کنند تشکیل می‌دهند. بسیاری از مأموران انتظامی و کنترل مرزهای شما و همچنین شهروندان عادی جان خود را در راه مبارزه با قاچاق مواد مخدر قربانی کردند. این یک هزینه وحشتناک برای پرداخت آن است، و ما در از دست دادن آنها سوگوار هستیم." آقای فدوتوف همچنین از همکاری دولتها که با عملیات هم‌زمان انجام شده در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نشان داده شده است، قدردانی کرد. شش عمل انجام شده است که منجر به توقیف قابل توجهی مواد مخدر - تقریباً ۲۵۰۰ کیلوگرم تریاک، هروئین و حشیش - و دستگیری حداقل ۷۴ قاچاقچی مواد مخدر شده است. دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل، ابتکار مثلی را در سال ۲۰۰۷ برای تقویت همکاری در اجرای قانون بین سه کشور که به طور جدی تحت تأثیر مواد مخدر غیرقانونی از افغانستان قرار گرفته‌اند، راه‌اندازی کرد که منشأ بیش از ۹۰٪ تریاک و هروئین در جهان بود. این ابتکار عمل به ایجاد سطح همکاری بی‌سابقه‌ای بین سه کشور در مورد موضوعات مهم مانند امنیت مرزی و همکاری‌های منطقه‌ای برای مقابله با قاچاق مواد مخدر کمک کرده است. در همان روز، آقای فدوتوف با آقای آصف زرداری، رئیس-جمهور پاکستان برای تقویت هرچه بیشتر برنامه مشترک پاکستان و دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و سایر اشکال جرایم سازمان یافته فراملی ملاقات کرد. آنها در مورد برنامه جدید توسعه یافته دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل که با همکاری نزدیک با دولت تدوین شده است، گفتگو کردند. این برنامه، برای دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۰، پشتیبانی بین‌المللی را به طور قابل توجهی در چهار زمینه افزایش می‌دهد: قاچاق غیر قانونی و مدیریت مرزها؛ عدالت کیفری؛ کاهش تقاضای مواد مخدر و برنامه‌های HIV/AIDS؛ و کمک به بهبودی مؤسسات اجرای قانون متأثر از سیل فاجعه بار اخیر (<http://www.unodc.org/unodc/en/frontpage/2010/>).

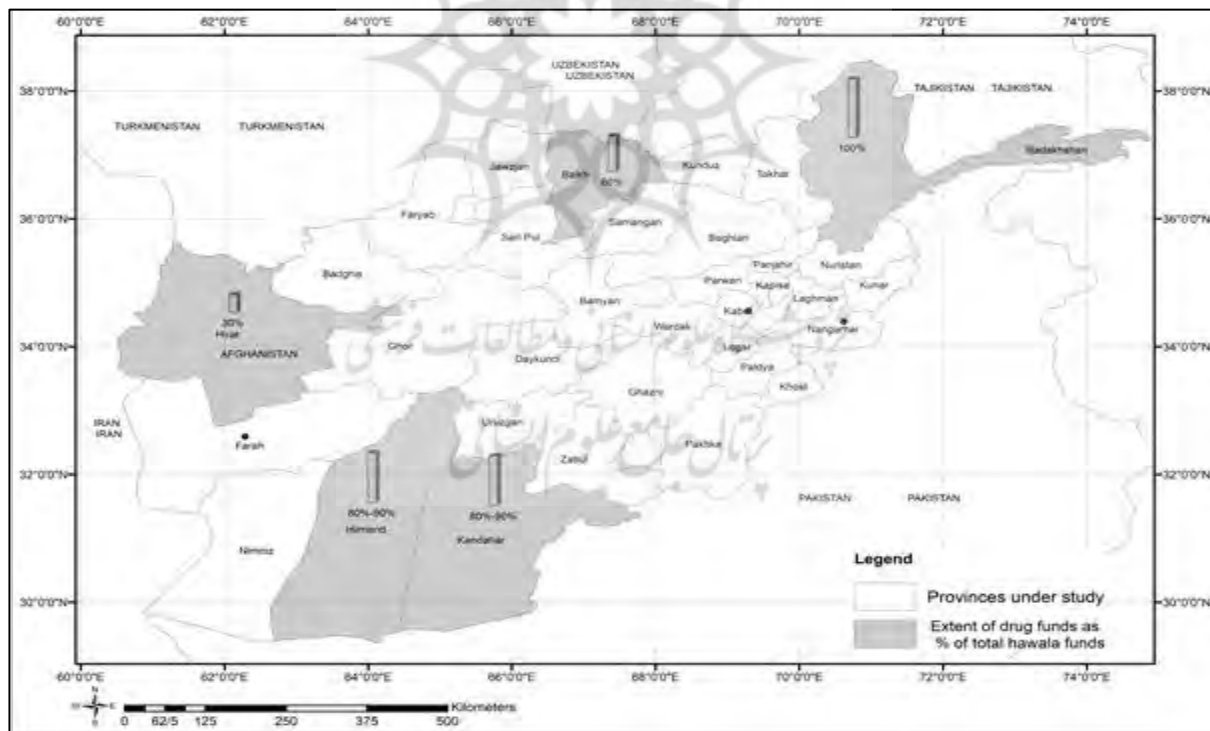
یکی از عواملی که به قاچاق مواد مخدر کمک می‌کند، عدم شفافیت سیستم پولی در کشورهای تولید کننده مواد مخدر و همچنین حامیان تروریسم است. همان گونه که در تحقیقات رسانه‌ای و اجرای قانون در مورد حملات تروریستی یازده سپتامبر، باعث انتقاد از سیستم هاوالا^۳ به عنوان یکی از منابع پولشویی جنایی و تأمین مالی تروریستی در آسیای میانه و خاورمیانه شد. تخمین زده می‌شود که ۸۰-۹۰٪ فعالیت اقتصادی در کشور افغانستان در بخش غیررسمی باشد، با این اشتباه می‌توان تصور کرد که سیستم هاوالای افغانستان، که در حال حاضر از بهترین روشهای مؤثر، قابل اعتماد و بعضاً تنها روش انتقال سرمایه در سراسر کشور است، فقط با پولهای کثیف سروکار

¹. Arbab Muhammad Zahir

². Yury Fedotov

³. Hawala System

دارد. در عمل، هیچ مرز مشخصی بین اقتصادهای قانونی و غیرقانونی، جایی که شبکه‌ها با گذشت زمان با اتصالات پیچیده و همپوشانی توسعه یافته‌اند، وجود ندارد. تجزیه و تحلیل دقیق در مورد قرارگیری و ادغام درآمدهای مواد مخدر در اقتصاد افغانستان فراتر از سطح مزرعه-دروازه، بسیار طولانی است. با توجه به تعهدات دولت افغانستان و جامعه جهانی برای مقابله با تولید و تجارت غیرقانونی مواد مخدر افغانستان، نباید فشار برای پولشویی مواد مخدر در بزرگترین کشور تولید تریاک در جهان را دستکم گرفت. قاچاقچیان مواد مخدر^۱ با تعیین تکلیف سودهای دیگری که در تاریخ ثبت شده در رده بالاترین قرار دارند، با وظیفه دیگری روبرو هستند. هیچ رازی نیست که این سیستم تا حد زیادی از نظر آماری ناشناخته مانده است. اطلاعات موجود در مورد آن محدود، اغلب مبهم و متناقض است و این امر منجر به آن می‌شود که سیاستهای مبارزه با مواد مخدر مبتنی بر درک محدودی از فرایندهای کار باشد. در طی سالهای اخیر، ارائه دهندگان خدمات غیررسمی پول یا هاوالادارها به عنوان یک نهاد مهم غیر رسمی و نمایندگان کلیدی اقتصادی در افغانستان نقش مهمی را به دست آورده‌اند. سیستم هاوالا، چه با نقل و انتقالات مالی و چه با ارز، حتی در افغانستان قبل از جنگ از اهمیت برخوردار بود. اما در دوره طولانی درگیری و به ویژه رژیم طالبان، بازارهای هاوالا کاملاً جایگزین سیستم رسمی بانکداری شدند و تنها تسهیلات لازم برای انتقال پول به داخل و خارج از کشور را در اختیار مردم قرار می‌دادند. این بازارها میزبان تعامل پیچیده‌ای از بازیگران از افراد سؤال برانگیز (مشکوک) و جنایتکارانه هست. ۹۰۰ فروشگاه هاوالا قابل توجه در کشور وجود دارد (The World Bank and UNODC, 2005 ; 155-156).



نقشه ۲. درصدهای برآورد شده از وجوه مربوط به مواد مخدر در بازارهای هاوالا استانی در افغانستان

منبع: The World Bank and UNODC, 2005

نگاهی به وضعیت سه کشور هلال طلایی

¹. Drug Traffickers

افغانستان

کشور افغانستان در آسیا به عنوان بزرگترین تولید کننده تریاک جهان، به عنوان مرکز درگیری و جدال جوامع جهانی در خصوص کاهش تولید و دسترسی آسان به هروئین می‌باشد. به طوری که ۷۵ تا ۸۰٪ مواد افیونی جهان از این کشور تأمین می‌شود (محمدی و غنچی، ۱۳۸۵: ۹۸). با حاکمیت طالبان در افغانستان، قاچاقچیان بین‌المللی و حرفه‌ای مواد مخدر، در این کشور مکان امنی برای خود پیدا کردند و در حمل و نقل کالای مرگ، چنان فعال شدند که گوی سبقت را از مثلث طلایی ربودند و افغانستان به نام رأس اصلی هلال طلایی معروف گشت. این قاچاقچیان — که اکثر آنها در منطقه جلال‌آباد و قندهار به سرکردگی حاجی بشیر نورزهی^۱، در منطقه رباط بیطرف^۲ به سرکردگی محمد شهنوازی^۳، در منطقه هلمند به سرکردگی محمد رسول آخوندزاده و عبدالرحمن و عبدالواحد بقرانی هنوز هم حضور دارند — در سال ۲۰۰۰م با یک وضعیت بی‌سابقه محدودیتها، که از سوی طالبان وضع شده بود، روبه‌رو شدند، تا جایی که قیمتها به ۱۰ تا ۲۰ برابر افزایش پیدا کرد (ظهوری‌حسینی، www.iichs.ir/Upload/Image/139410/Orginal/f438b895_ed6c).^۴ در سال ۲۰۰۳، کشت تریاک در افغانستان از ۱۵۰،۰۰۰ جریب به ۵۱۰،۰۰۰ جریب در سال ۲۰۰۴ افزایش یافت. در سال ۲۰۰۵، به ۱۰۴،۰۰۰ هکتار رسید. در سال ۲۰۰۶ به ۱۶۱،۰۰۰ هکتار و سرانجام به ۱۹۳،۰۰۰ هکتار در سال ۲۰۰۷ افزایش یافت.

عمدتاً کشت خشخاش در افغانستان در استانهای پشتون‌نشین (طالبان) مانند هلمند، قندهار و ننگرهار انجام می‌شود که این قوم نیز از سوی دولت پاکستان حمایت می‌شود. مستعد بودن زمینهای زراعی این کشور در کشت خشخاش، باعث شده است که زمینه تولید فراوان مواد مخدر فراهم باشد. در هر هکتار کشت خشخاش بیش از ۴۵ کیلوگرم تریاک برداشت می‌شود. بنابراین این مستعد بودن زمین زراعی برای کشت خشخاش باعث شده است کشاورزان افغانی به دلیل سودآوری بالا به کشت محصولات دیگری کمتر اقدام کنند (محمدی و غنچی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهند هروئین افغان به طور فزاینده‌ای در حال رسیدن به بازارهای جدید مانند اقیانوسیه و آسیای جنوب شرقی است، که به طور سنتی از جنوب شرقی آسیا تأمین می‌شده است. به نظر می‌رسد مسیر طولانی تازه تأسیس شده بالکان همچنان یک راهرویی برای انتقال هروئین افغانستان به بازارهای پرسود در اروپای غربی و مرکزی است، اما اهمیت آن با توجه به عوامل مختلفی مانند اجرای مؤثرتر قانون و یک بازار کوچک در غرب و اروپای مرکزی کاهش یافته است همان طور که از کاهش مصرف مواد افیونی و مصادره در منطقه و کاهش سطح

۱. این قاچاقچی بزرگ در اواخر سال ۲۰۰۵م در آمریکا دستگیر شد.

۲. جنوب غربی کشور

۳. حاج عیدو

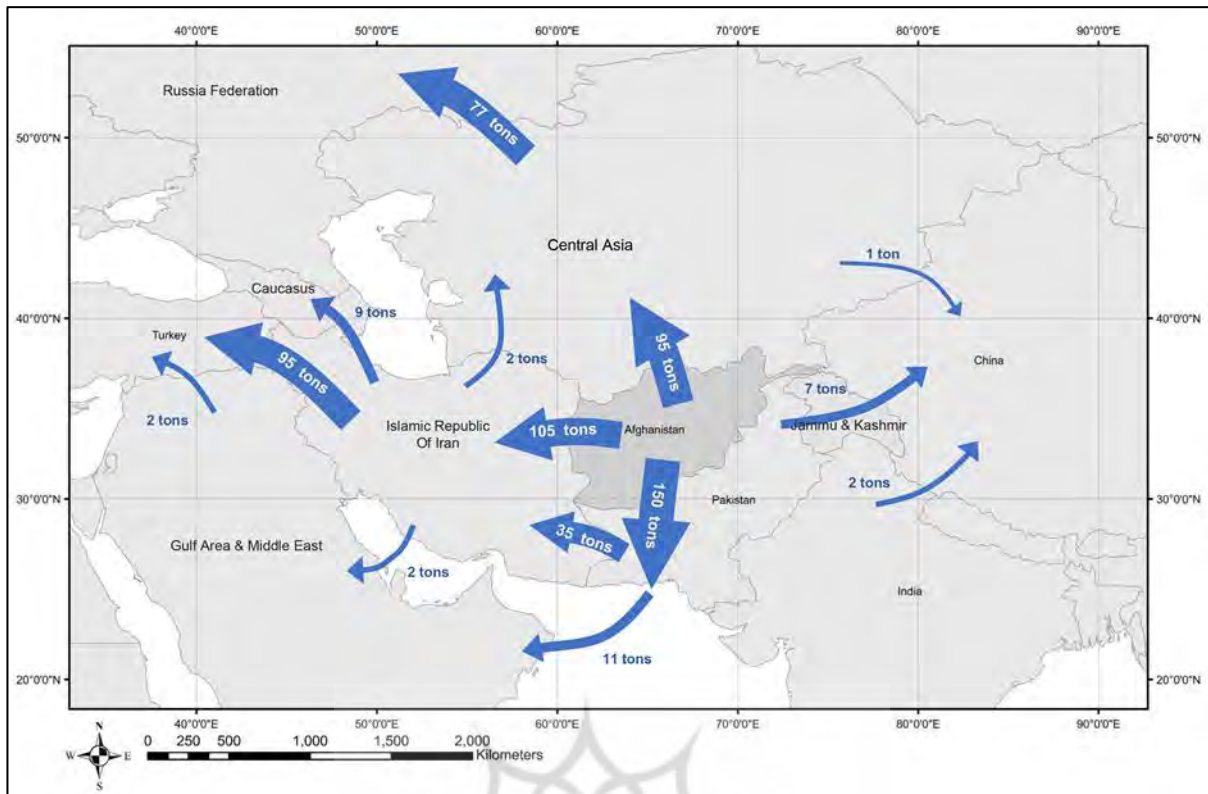
۴. در سال ۲۰۰۰ میلادی ملا عمر، به منظور به دست آوردن وجهه بین‌المللی و گرفتن یک کرسی در سازمان ملل، طی حکمی کشت خشخاش و تولید مواد مخدر را در خاک افغانستان ممنوع اعلام کرد و در این اندیشه بود که، اگر سازمانهای بین‌المللی کمک کنند، خرید و فروش را هم ممنوع کند. او آنقدر مقتدرانه رفتار کرد که علاوه بر جلب تحسین مقامات و مردم جهان، وضع قاچاقچیان و کشت کنندگان خشخاش در سراسر کشور را به مخاطره جدی نابودی انداخت. در آن زمان، اگر کشاورز افغان زمینی را زیر کشت خشخاش می‌برد از طرف نیروهای ملا عمر به شدت مجازات می‌شد و زمین زراعی اش را با بلدوزر خراب می‌کردند و حتی هزینه تخریب را هم از او می‌گرفتند.

عرضه در مقایسه با سطح اوج سال ۲۰۰۷ مشاهده شده است (UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME, World Drug Report 2014). (Usman & Majeed Khan, 2013 : 34).

نکته‌ای که باید بدان اشاره کرد، نقش قدرت‌های خارجی در مناطق مهم کشت مواد مخدر می‌باشد که باعث ظهور نارکو تروریسم شده است که به عنوان مثال در خاورمیانه و مصداق آن افغانستان می‌باشد. وقتی از افغانستان متأخر می‌گوییم، بالا رفتن کشت خشخاش، ناامنی و حضور و بازیگری گروه‌های فراملی مثل قدرت‌های جهانی نظیر آمریکا و گروه‌های فراملی همچون طالبان بیش از هر تصویر دیگری از این کشور برجسته خواهد شد. افغانستان از اواخر قرن بیستم در میان دو وضعیت فقدان دولت و اقتدار مرکزی و دولت شکننده (فقدان حاکمیت مؤثر) درگیر بوده است. نتیجه این وضعیت ظهور گروه‌های فراملی مانند طالبان و گروه‌های تروریستی مانند داعش از یکسو و جنگ میان قدرت‌ها جهت اعمال قدرت و حاکمیت خود در این کشور به ویژه شوروی سابق و در سال‌های اخیر آمریکا بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد، قدرت‌های بیگانه، جنگ‌سالاران، شبه‌نظامیان و در غیاب دولت مقتدر قدرت مهمی به پا کرده‌اند. به گونه‌ای که افغانستان امروز تبدیل به محیطی مناسب برای ظهور یک اقتصاد مخدري قوی شد. حتی امیدها در کاهش کشت تریاک با حمله ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا نه تنها کشت تریاک را منفی نکرد بلکه در سال ۲۰۰۷ به رقم بی‌سابقه ۱۹۳۰۰۰ هزار هکتار رسید. امروزه دولت افغانستان نمونه‌ای از نارکو تروریسم به شمار می‌رود. در سال ۲۰۰۹، طالبان افغانستان ۱۵ میلیون دلار از تجارت تریاک، قاچاقچیان مواد مخدر ۲.۲ میلیارد دلار و کشاورزان افغان ۴۴۴ میلیون دلار درآمد کسب کرده‌اند.

واقعیت این است که از زمان حضور رسمی آمریکا در ۷ اکتبر ۲۰۰۱، جنگ بی‌پایان در افغانستان آغاز شد. پایان این بازی به اهداف هژمونیک آمریکا در منطقه بستگی دارد. پیرو قرارداد امنیت دوجانبه، آمریکا نه پایگاه نظامی در مناطق استراتژیک اطراف افغانستان شامل مرزهای ایران، پاکستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی را حفظ می‌کند. حریم هوایی افغانستان به منظور حصول به اهداف استراتژیک و عملیاتی کنترل می‌شود. لذا این موارد، رهبری ژئوپولیتیکی منحصربفردی برای تثبیت قدرت فراتر از افغانستان را فراهم می‌کند. این زیرساختها به آمریکا اجازه می‌دهد ظرف دو تا چهار هفته بالغ بر ۱۰۰۰۰۰ نفر نیرو را مستقر کند. اساساً حضور ایالات متحده در منطقه بیشتر به بی‌ثباتی در منطقه دامن زده است. به عبارت دیگر گویی برای آمریکا برقراری «ثبات و صلح منطقه‌ای» و «ثبات و هژمونی جهانی» دو هدف متعارض‌اند. با این حال، تلاش‌های آمریکا در راستای برقراری هژمونی در افغانستان و فراتر از آن با اتحاد استراتژیک دوافکتو میان روسیه، چین، ایران و پاکستان به چالش کشیده شده است. به عبارت دیگر ائتلاف آمریکا- ناتو در حال مواجه شدن با دشمنانی رعب‌آور است که - در میان آنها، سه کشور دارای قدرت هسته‌ای هستند- مصمم‌اند تا جاه‌طلبی‌های هژمونیک آمریکا در منطقه را مهار کنند. چین و روسیه در خط مقدم شکل دادن به این واقعیت ژئوپولیتیک هستند (نارکو تروریسم، خاورمیانه و آمریکا، ۱۳۹۸/۱۰/۲۰، <http://cudras.ir/>).

(Usman & Majeed Khan, 2013 : 32).



نقشه ۳. جریانهای منطقه‌ای برآورد شده هروئین از افغانستان به همسایگان - ۲۰۰۸

منبع: UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME, 2009

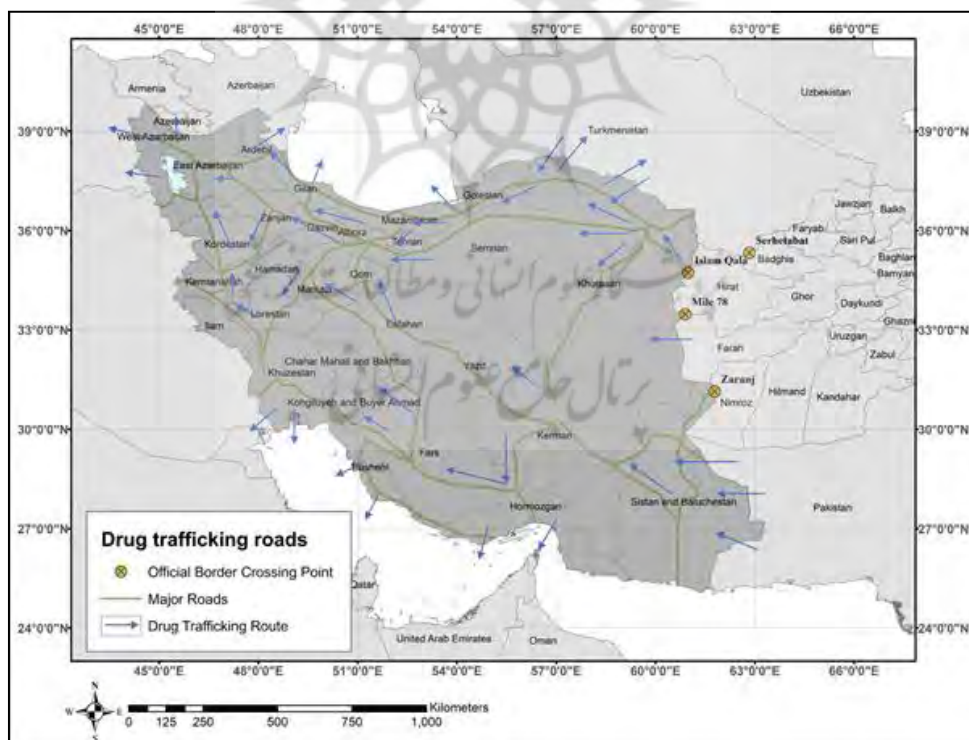
ایران

از دیدگاه جغرافیایی، موقعیت ایران، در منطقه غرب و جنوب غرب آسیا، به لحاظ قرارگیری در مسیر ترانزیت و در همسایگی با کشورهای پاکستان و افغانستان به عنوان کشورهای هلال طلایی، در مجاورت یکی از بزرگترین کانونهای تولید مواد افیونی در آسیا و جهان، شرایط آسیب‌پذیری زیادی را دارد. «موقعیت جغرافیایی ایران و همسایگی با [۱۵] کشور، وجود مرزهای گسترده زمینی و آبی و سود سرشار از فروش کالاهای قاچاق، از عوامل مهمی است که نوع و میزان جرایم قاچاق را در کشور افزایش داده است؛ فعالیتی ناهنجار که همه ساله، هزینه‌های هنگفتی به اقتصاد کشور وارد می‌سازد و برای عده‌ای محدود، سودآور و برای اکثریت جامعه، زیانبار است. قاچاق یا ورود و خروج غیرقانونی و مخفیانه کالا، از پیچیده‌ترین و پرمسئله‌ترین رفتارهای مجرمانه در کشور است» (کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

از دلایل شکل‌گیری شبکه‌های قاچاق، در یک کشور و به ویژه کشوری مثل ایران که در منطقه تولید و ترانزیت مواد مخدر قرار گرفته است، فاصله زیاد جغرافیایی مناطق مرزی نسبت به مرکز کشور می‌باشد. «واقعیت آن است که در جغرافیای سیاسی ایران، فاصله جغرافیایی همواره دارای کارکرد سیاسی - امنیتی بوده است. در گستره سرزمینی ایران با افزایش فاصله از اقتدار و حاکمیت حکومت کاسته می‌شود و این امر در نواحی حاشیه‌ای و مرزی به حداکثر خود می‌رسد؛ این کاهش توانایی در کنترل، مدیریت و نظارت بر نواحی دور افتاده، زمینه را برای واگرایی از قانون و حکومت مرکزی فراهم می‌آورد که از نتایجش شکل‌گیری و فعالیت اشراک و گروهک‌های تروریستی و [فراهم شدن زمینه و شرایط قاچاق و ترانزیت مواد مخدر] است. جنوب شرقی ایران، یکی از مناطقی است که فاصله و انزوای

جغرافیایی در شکل‌گیری و فعالیت [این نوع چالشها]، تأثیر زیادی داشته است. به طوری که زاهدان در میان ۳۱ مرکز استانی کشور، بیشترین فاصله را با [تهران] یعنی ۱۶۰۵ کیلومتر دارد. چابهار و کنارک نیز دورترین شهرستان کشور به تهران هستند. این در حالی است که متوسط فاصله سکونتگاهها در استان، ۶ کیلومتر است که سه برابر متوسط ملی است. در واقع بلوچها حتی در بلوچستان، نیز انزوای جغرافیایی را لمس می‌کنند» (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

سیستان و بلوچستان مهمترین استانی است که در ترانزیت مواد مخدر به دیگر نقاط ایران نقش دارد. طول مرزهای خشکی و آبی این استان از شمال به جنوب شرق در مجموع ۱۲۶۰ کیلومتر است که تقریباً ۲۸۲ کیلومتر آن مرز ایران با افغانستان می‌باشد و ۹۷۸ کیلومتر آن مرز ایران و پاکستان را در بر می‌گیرد. مرزهای طولانی آبی و خشکی استان با کشور افغانستان، پاکستان و کشورهای حوضه‌ی خلیج فارس، موقعیت ویژه‌ای به این استان بخشیده و سبب ایجاد شرایط خاصی در آن شده است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۹) (دبیری و ایزدی، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۰۰). اگر به طور دقیقتر بخواهیم به مرزهای شرقی ایران با کشورهای همسایه نگاه کنیم باید گفته شود که «طول مرز مشترک ایران و افغانستان ۹۴۵ کیلومتر است که شامل ۷۰۹ کیلومتر مرز خشکی و ۲۳۶ کیلومتر مرز آبی می‌شود. در تمام طول [این] مرز، کلاً ۱۸۳ میله اصلی و ۱۶ میله فرعی نصب شده است. [و اما] مرز مشترک ایران و پاکستان از بلندترین نقطه تلاقی مرز مشترک ایران و افغانستان و پاکستان با علامت مشخص مرزی و پس از آن، میله مرزی شماره ۱ شروع و به بندر گواتر، علامت مرزی شماره ۲۵۶ ختم می‌شود. طول [این] مرز مشترک، شامل ۷۲۱ کیلومتر مرز خشکی و ۲۵۷ کیلومتر مرز آبی (رودخانه‌ای) می‌شود» (حافظ‌نیا و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۲۳۵-۲۳۴).



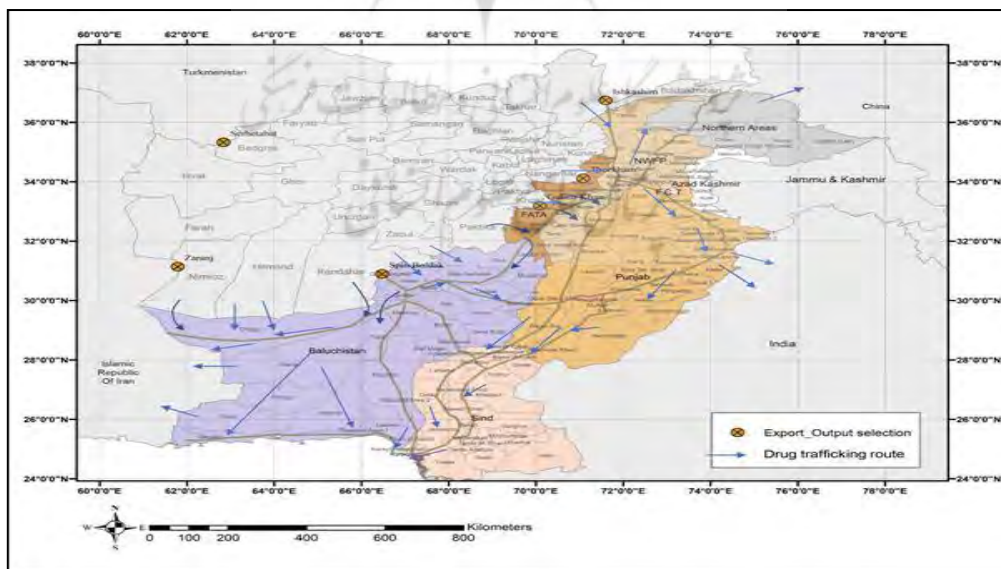
نقشه ۴. مهمترین مسیرهای مواد مخدر در ایران

منبع: UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME, 2009

کشور جمهوری پاکستان در همسایگی شرقی ایران، یکی از کشورهایی منطقه هلال طلایی است که در زمینه قاچاق و ترانزیت مواد مخدر نقش بسزایی دارد. این کشور «دارای مرزهای باز و بدون کنترل با کشورهای ایران، هند، افغانستان و چین است. به همین دلیل با چالشهای جدی در کنترل مواد مخدر روبرو بوده است. عمده تولید، قاچاق و ترانزیت مواد مخدر در ایالت بلوچستان [انجام] می‌گیرد. از جمله عوامل افزایش قاچاق مواد مخدر [در این کشور] از لحاظ موقعیت جغرافیایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. وجود زمین و محیط مناسب برای قاچاقچیان به منظور ترانزیت محموله‌های مواد مخدر؛
۲. گستردگی سرزمین به گونه‌ای که کنترل آنها برای نیروهای مقابله کننده مشکل می‌نماید؛
۳. استفاده قاچاقچیان از شیوه‌های پیچیده جاسازی و بهره‌گیری از تاریکی شب؛ نزدیکی به دریای عمان و کشورهای حوضه خلیج فارس؛
۴. حضور قابل توجه اتباع آفریقایی در پاکستان و مبادرت آنها به قاچاق مواد مخدر؛
۵. از همه مهمتر عدم اعتقاد و پایبندی جدی مسئولان پاکستانی اعم از مقامهای سیاسی، قضایی و پلیس و دیگر دستگاههای ذی ربط به مقابله با مواد مخدر» (محمدی و غنچی، ۱۳۸۵: ۹۸).

سالانه حدود ۸۰ تن تریاک در پاکستان مصرف می‌شود (مشابه افغانستان). از سال ۱۹۹۶، بیشترین میزان مصادره تریاک در پاکستان در سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۹ ضبط شده‌اند. بین سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۹، مأموران اجرای قانون پاکستان به طور متوسط ۷۲۰۰ کیلوگرم تریاک در سال ضبط کردند و پاکستان را به عنوان دومین و مهمترین کشور رهگیری جهان (بعد از جمهوری اسلامی ایران) می‌باشد. بین سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۴ میلادی ۹۷٪ از تریاک مصادره شده در پاکستان در ۱۷ شهر انجام شد. هشت مورد از اینها واقع در استان بلوچستان هستند، که ۷۲٪ از کل تریاک مصادره در پاکستان را شامل می‌شود. در استان پنجاب ۲۱٪ بوده است (UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME, 2009).



نقشه ۵. مسیرهای قاچاق مواد مخدر در پاکستان

منبع: UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME, 2009

در سال ۲۰۰۹ میلادی ۱۶۰ تن هروئین به پاکستان منتقل شده است. براساس اعلام UNODC، سالانه ۲۷ تا ۳۰ میلیارد دلار مواد مخدر از افغانستان، از طریق پاکستان، به سایر نقاط جهان قاچاق می‌شود. از این میزان، مواد مخدر به ارزش ۱.۵ میلیارد دلار در پاکستان مانده‌اند. موقعیت جغرافیایی پاکستان در کنار افغانستان، این کشور را از نظر قاچاق مواد مخدر و همچنین سوء مصرف مواد در موقعیت مستعد قرار داده است. این امر با افزایش تعداد معتادان به مواد مخدر و جرایم سازمان یافته، امنیت و همچنین جامعه آن را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. در یک بررسی که در سال ۲۰۰۴ انجام شد، پنج میلیون معتاد به مواد مخدر در این کشور شناسایی شد. علاوه بر اعتیاد به مواد مخدر، باعث افزایش شیوع ویروس ایدز نیز شده است. مشکلات در کراچی و کوئته جایی که منجر به جنگ با باند قاچاق مواد مخدر شده است پیچیده است. این باندها برای کنترل انبار قاچاقچیان، تهیه مسیر و سود حاصل از تجارت مواد مخدر مبارزه می‌کنند. لایاری^۱ که در کراچی واقع شده است منطقه زاغ‌ای با جمعیت یک میلیون نفر است. این مکان جایی است که بزرگترین باندهای جنایتکار در آن فعالیت می‌کنند و انبوهی از مواد مخدر از افغانستان، اسلحه و جنگ میان باندها است. پاکستان و افغانستان مشترکاً ۲۴.۶۰۰ کیلومتر طول مرز ناهموار، کوهستانی، دارای اختلاف نظر سیاسی و کنترل مرزی مشترک دارند (Usman & Majeed Khan, 2013 : 36-39)

نگاهی به استان بلوچستان، منطقه میان پاکستان، افغانستان و ایران

بلوچستان منطقه‌ای کوهستانی است که مساحت آن را ۳۴۷.۲۰۰ کیلومتر مربع پوشش می‌دهد. جمعیت این منطقه ۷،۲۱۵،۷۰۰ نفر (تخمین سال ۲۰۰۲) دارد. در بلوچستان ۲۶ ولسوالی وجود دارد و پایتخت آن شهر کوئته^۲ (منطقه کوئته) است. بخش اعظم بلوچستان یک فلات خشک و صخره‌ای است که میزان بارندگی آن کمتر است از ۱۳ سانتیمتر در سال است. کشاورزی بخش مهمی از اقتصاد محلی، همانند معدن و بخش غیررسمی (قاچاق) است. این استان در شرق با استان‌های پاکستانی سند، پنجاب^۳ و بخشی از استان سرحدی شمال غربی هم مرز است. این استان دارای یک ساحل ۷۶۰ کیلومتری، یک مرز ۱۱۶۰ کیلومتری با افغانستان و ۸۳۵ کیلومتر با جمهوری اسلامی ایران است. بلوچستان با نیمروز افغانستان (۲۲۳ کیلومتر)، با هلمند (۱۶۳ کیلومتر)، استانهای قندهار و زابل و همچنین بخش جنوبی پکتیکا^۴ هم مرز است. این کشور همچنین با بزرگترین مرکز مواد مخدر افغانستان، بازار بارامچا^۵، در منطقه دیشو^۶ جنوبی هم مرز است. بلوچ، پشتون و براهویی^۷ سه گروه قبیله‌ای اصلی در بلوچستان هستند. جمعیت این استان ۴۵٪ بلوچ، ۳۸٪ پشتون و ۱۷٪ دیگر گروه‌ها می‌باشند. برخلاف مناطق شرقی قبیله‌ای که به طور فدرال اداره می‌شوند (FATA^۸)، بلوچستان جنوبی پشتون‌نشین نیست، که در شبکه‌های قاچاق تأثیر دارد. ولسوالی‌های تحت سلطه پشتون در بلوچستان در جنوب، و به طور کلی ولسوالی‌های مرزی، از جمله ژوب، قویلا سیف‌الله، پیشین

1. Layari

2. Quetta

3. Sindh, Punjab

4. Paktika

5. Baramcha bazaar

6. Dishu

7. Baluch, Pashtun and Brahui

8. Federalty Administrated Tribal Areas

و قویلا عبدالله^۱ هستند. لازم به اشاره هست که «منطقه بلوچستان (از رود هیرمند تا کرانه‌های اقیانوس هند و از ایندوس تا کرمان) در سراسر دوره صفویان در حاکمیت ایران [بوده است]» (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۲۹۳).

تخمین زده می‌شود جمعیت براهویی ۱۰۰۰۰۰ نفر باشد که بیشتر در جنوب استان پایتخت کوئته در منطقه کلات^۲ بلوچستان متمرکز هستند. استان بلوچستان همچنین دارای نمایندگانی نیرومند در افغانستان (عمدتاً در جنوب قندهار در ولسوالی مرزی شورابک^۳) با بیش از ۲۵۰،۰۰۰ نفر به طور ویژه است. یکی از اقوام مهم براهویی، محمد حسنی^۴ است که در دره هیلمند تا نوشکی (منطقه چاگای)^۵ در بلوچستان امتداد یافته است. عقاید در مورد اینکه آیا آیا براهو قومی بلوچ است یا یک گروه جداگانه، تفاوت دارد. به گفته منابع UNODC، افرادی که در سال ۲۰۰۶ در مرکز کنترل مواد مخدر بارامچا (ولسوالی هیلمند-دیشو) بودند، "براهویی" بلوچ بوده‌اند. اقوام اصلی پشتون که در امتداد مرز ساکن هستند، قبایل بلوچ در انتهای مرز جنوب، محمد خل‌ها^۶، نورزای‌ها^۷، آچاکزای‌ها^۸، کاکارها^۹ و مخلوطی از ماندو خل‌ها^{۱۰}، خاروتیس‌ها^{۱۱}، نصیرها^{۱۲} و سلیمان خل‌ها^{۱۳} هستند. نورزای و آچاکزی هر دو از نمایندگان قدرتمندی در جنوب افغانستان برخوردارند. حرکت پناهندگان از افغانستان به بلوچستان باعث تقویت روابط مرزی بین پشتون‌ها می‌شود و بسیاری از پشتون‌های افغانستان دارای کارت شناسایی پاکستانی هستند.

روابط بازرگانی فرامرزی قوی است و بیشتر افغانها واردکنندگان و بازرگانان دفاتر و مؤسسات خود را در کوئته و سایر شهرهای نزدیک مرز افغانستان دارند. دو مسیر اصلی تجارت فرامرزی وجود دارد که از بلوچستان عبور می‌کنند. یکی از طریق چامان^{۱۴} به افغانستان و دیگری از طریق تفتان/زاهدان به جمهوری اسلامی ایران. این دو مسیر در کوئته (پایتخت بلوچستان) تقاطع دارند که در مرکز استان واقع شده است. کوئته از طریق راه‌آهن و جاده با کراچی در جنوب، چامان (مرز پاکستان-افغانستان) در شمال، تفتان/زاهدان (جمهوری اسلامی ایران) در غرب و با شبکه اصلی راه ریلی کشور در شرق پیوند دارد. راه‌آهن پاکستان از کوئته تا زاهدان (۸۳۱ کیلومتر) است که حدود ۱۰۰ کیلومتر در داخل ایران امتداد دارد. دو جاده بین کراچی و کوئته وجود دارد. یکی مستقیم از طریق منطقه کلات (۶۷۲ کیلومتر)، تا چامان در مرز پاکستان و افغانستان (۱۲۹ کیلومتر) امتداد دارد. راه دیگر از طریق روهری/سوکور^{۱۵} در بدنه مسیر اصلی که از کراچی تا پیشاور (۸۵۹ کیلومتر) در سراسر کشور عبور می‌کند. پیوند ریلی از بدنه جاده

¹. Zhob, Qilla Saifullah, Pishin and Qilla Abdullah

². Kalat

³. Shorabak

⁴. Mohammad Hasni

⁵. Nushki (Chagai district)

⁶. Mohammad khels

⁷. Noorzais

⁸. Achakzais

⁹. Kakars

¹⁰. Mando khels

¹¹. Kharotis

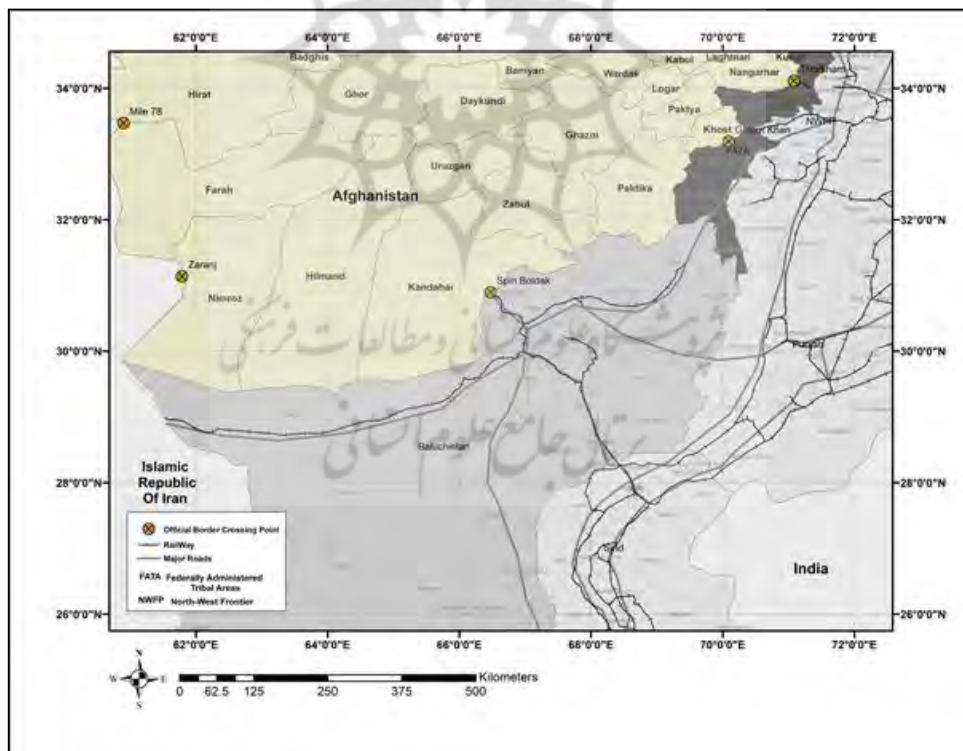
¹². Nasirs

¹³. Suleyman khels

¹⁴. Chaman

¹⁵. Rohri/Sukkur

اصلی دنبال می‌شود. ترانزیت تجارت افغانستان با توجه به مقصد در افغانستان، از طریق چامان (و تورخم^۱ در شمال) انجام می‌شود، البته چامان کمترین فاصله را از کراچی تا هر جای دیگر در افغانستان فراهم می‌کند. مسیر جنوبی قاچاق مواد مخدر افغانستان بی‌شمار است، و از نقاط خروجی مانند زابل، قندهار، هیلمند و نیمروز به بلوچستان انجام می‌شود. مواد مخدر از این مناطق از طریق بلوچستان به سمت کراچی، ساحل مکران و غرب ایران به صورت جاده‌ای قاچاق می‌شوند. یک پاسگاه مرزی رسمی در اسپین بولداک^۲ (قندهار) وجود دارد که با شهر چامان پاکستان پیوند می‌خورد. با این حال، ده‌ها نقطه گذر "نیمه‌رسمی" و غیر رسمی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. گذرگاه اسپین بولداک به طور متوسط عبور ۳۰۰ کامیون و ۳۰ هزار نفر را در روز شامل می‌شود. منطقه‌ای به نام رجستان^۳ (از جمله مناطق مرزی جنوبی دیشو و رگ در هیلمند، رگ در قندهار و نیمروز جنوبی) تقریباً همه صحرا و در اصل فاقد اجرای قانون یا حضور بین‌المللی است. این منطقه مملو از شورشیان و قاچاقچیان است که هر دو از نقاط گذرگاه‌های غیرقانونی متعددی برای حرکت به جلو و خارج از مرزها استفاده می‌کنند (UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME, 2009). (نقشه شماره ۷ را ببینید). با توجه به پیوستگی و عقبه سرزمینی که بلوچستان در ایران دارد و همچنین امتداد مسیر راهها بین کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان، منطقه بلوچستان با توجه به شرایط گفته شده، به عنوان کانون قاچاق مواد مخدر شناخته می‌شود. این امر در کنار مسایل مدیریت مرزی از سوی سه کشور، به ایجاد بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، سیاسی برای هر سه کشور انجامیده است.



نقشه ۶. موقعیت استان بلوچستان در مرز میان پاکستان، افغانستان و ایران

منبع: UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME, 2009

1. Torkham
2. Spin Boldak
3. Registan

دستاوردهای علمی پژوهشی

تقریباً ۱۰ میلیون نفر در جهان، در شبکه‌های مختلف قاچاق مواد مخدر اعم از تولید، ترانزیت و فروش آن فعالیت می‌کنند تا مواد مورد نیاز بیش از [۲۷۱] میلیون نفر مصرف کننده مواد مخدر در جهان را تأمین کنند. گردش مالی تولید، توزیع و انتقال این مواد، بعد از تجارت اسلحه، بیشترین رقم را در جهان به خود اختصاص داده است. یک هزار و پانصد میلیارد دلار در سال، حاصل کار اقتصادی از ناحیه مواد مخدر است که اگر ۳۰٪ بیشتر سود داشته باشد، چیزی حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار سود این تجارت مرگ است. در حال حاضر بسیاری از کشورهای جهان برای مقابله با ابعاد مختلف معضل مواد مخدر در حد وزارتخانه تشکیلات دارند و سالانه منابع مالی بسیار زیادی در این راه هزینه می‌کنند (محمدی و غنچی، ۱۳۸۵: ۹۷-۹۶). مصرف مواد مخدر همچنان در زندگی با ارزش تعداد قابل توجهی از انسانها حضور دارد. براساس برآوردها ۱۸۳،۰۰۰ (محدوده: ۹۵،۰۰۰-۲۲۶،۰۰۰) مرگ و میر ناشی از مواد مخدر در سال ۲۰۱۲ گزارش شده است. در سطح جهانی، تخمین زده شده است که در سال ۲۰۱۲، بین ۱۶۲-۳۲۴ میلیون نفر، بین ۳.۵ تا ۷٪ از جمعیت جهان در سنین ۱۵-۶۴ سال، از یک داروی غیرقانونی استفاده کرده‌اند - عمدتاً یک ماده متعلق به به حشیش، مواد افیون، کوکائین یا نوع آمفتامین گروه محرک - حداقل یک بار در سال (۲۰۱۲). میزان استفاده از مواد مخدر - توسط مصرف کنندگان منظم مواد مخدر و افراد مبتلا به اختلالات مصرف مواد یا وابستگی به آن بین ۱۶ تا ۳۹ میلیون نفر به طور پایدار هستند (UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME, World Drug Report 2014).

طبق آخرین گزارش جهانی از مواد مخدر که توسط دفتر مواد مخدر و جرایم سازمان ملل منتشر شده، تخمین زده می‌شود که در جهان، حدود ۳۵ میلیون نفر از اختلالات مصرف مواد مخدر رنج می‌برند و به خدمات درمانی نیاز دارند. برآوردهای بالاتر برای سال ۲۰۱۷ نتیجه بهبود آگهی میزان مصرف مواد مخدر از نظرسنجی‌های جدید انجام شده در هند و نیجریه است که هر دو در بین ده کشور پرجمعیت جهان هستند. این گزارش همچنین تعداد مصرف کنندگان مواد افیونی را ۵۳ میلیون نفر تخمین می‌زند، که ۵۶٪ نسبت به تخمینهای قبلی افزایش یافته است، و این که مواد مخدر مسئول مرگ دو سوم از ۵۸۵۰۰۰ نفری هستند که در نتیجه استفاده از مواد مخدر در سال ۲۰۱۷ جان خود را از دست دادند. در سطح جهان، ۱۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۷ داروهایی تزریق کردند که از این تعداد ۱.۴ میلیون نفر با HIV و ۵.۶ میلیون نفر با هپاتیت C مبتلا شده‌اند زندگی می‌کنند. یافته‌های گزارش جهانی مواد مخدر امسال (۲۰۱۸) تصویر جهانی چالش‌های مواد مخدر را پر کرده و پیچیده‌تر می‌کند، تأکید بر لزوم همکاری گسترده‌تر بین‌المللی برای پیشبرد واکنشهای عادلانه و یکپارچه عدالت کیفری در زمینه عرضه و تقاضا است (<https://www.unodc.org>).

در سال ۲۰۱۷، حدود ۲۷۱ میلیون نفر یا ۵.۵٪ از جمعیت جهانی در سنین ۱۵ تا ۶۴ سالگی، مواد مخدر استفاده کرده بودند. درحالی‌که این رقم، مشابه تخمین سال ۲۰۱۶ است، یک دیدگاه طولانی مدت نشان می‌دهد که تعداد افرادی که از مواد مخدر استفاده می‌کنند اکنون ۳۰٪ بیشتر از سال ۲۰۰۹ هستند. اگرچه این افزایش تا حدودی به دلیل رشد ۱۰ درصدی در جمعیت جهانی در سنین ۱۵-۶۴ سال است، اما داده‌ها اکنون شیوع بالاتری در استفاده از مواد افیونی

در آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکای شمالی و استفاده از شاهدانه^۱ در آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی و آسیا در مقایسه با سال ۲۰۰۹ را نشان می‌دهند. تخمین زده می‌شود در سال ۲۰۱۷ تولید غیرقانونی جهانی کوکائین به ۱.۹۷۶ تُن رسیده باشد. در عین حال، میزان جهانی کوکائین کشف شده در سال ۲۰۱۷ با ۱۳٪ افزایش به ۱۲۷۵ تُن رسید، بیشترین مقداری که تاکنون گزارش شده است. بحران مصرف بیش از حد مواد افیونی مصنوعی در آمریکای شمالی در سال ۲۰۱۷ نیز به افزایش جدیدی رسید، با بیش از ۴۷۰۰۰ مرگ بیش از حد مصرف مواد افیونی در ایالات متحده، ۱۳٪ افزایش نسبت به سال گذشته و ۴۰۰۰ مرگ ناشی از مواد افیونی در کانادا، که ۳۳٪ نسبت به سال ۲۰۱۶ افزایش داشته است (<https://www.unodc.org>).

جدول ۲. تأثیر داده‌های جدید در برآوردهای جهانی

سال	برآورد سال ۲۰۱۶ (میلیون نفر)	برآورد سال ۲۰۱۷ (میلیون نفر)	تعداد مصرف کننده
	۱۹.۴	۲۹.۲	مصرف کننده سالیانه مواد مخدر
	۳۴.۳	۵۳.۳	مصرف کننده سالیانه مواد افیونی
	۳۰.۵	۳۵	افراد که مواد مخدر غیرمتناوب مصرف کرده‌اند
	۱۰.۶	۱۱.۳	افراد که مواد مخدر تزریق می‌کنند

منبع: UNODC SEA Opium Survey 2018

جدول ۳. تأثیر داده‌های جدید در برآوردهای منطقه‌ای

سال	برآورد سال ۲۰۱۶ (میلیون نفر)	برآورد سال ۲۰۱۷ (میلیون نفر)	منطقه/تعداد مصرف کننده
	۱۹.۴	۲۹.۲	جنوب آسیا مصرف کننده سالیانه مواد مخدر
	۳۴.۳	۵۳.۳	مصرف کننده سالیانه مواد افیونی
	۳۰.۵	۳۵	آسیا افراد که مواد مخدر غیرمتناوب مصرف کرده‌اند
	۱۰.۶	۱۱.۳	افراد که مواد مخدر تزریق می‌کنند

منبع: UNODC SEA Opium Survey 2018

مسئله دیگر که قابل ذکر است اینکه، تجارت مواد مخدر جان تازه‌ای به تروریست‌ها می‌بخشد و آنها را در رسیدن به خودبسندگی یاری می‌کند. در خاورمیانه القاعده برای تأمین مالی خود از قاچاق مخدر استفاده کرده است و میلیون‌ها دلار از طریق مواد مخدر برای پشتیبانی عملیات خود پول جمع کرده است. عبدالقیوم فدوی نویسنده و تحلیلگر مسایل سیاسی در امور افغانستان در این باره می‌نویسد: «بن لادن در افغانستان یکی از بارزترین منابع تأمین افیون خام در سطح جهان به حساب می‌آمد و توانسته بود بر بازار بورس جهانی مواد مخدر سلطه پیدا کند و از این طریق افیون خام تهیه شده در اختیار کارخانجات و شرکتهای دارویی گذاشته می‌شد». همچنین درآمد بالای حاصل از تجارت مواد مخدر برای داعش به گونه‌ای است که نیروهای داعشی را به تلاش برای یافتن بازارهای فروش در کشورهای اروپایی و آفریقایی ترغیب کرده است. برخی میزان درآمد داعش از تجارت مواد مخدر را تا سقف حدود یک میلیارد دلار در سال برآورد نموده‌اند. داعش در کنار بهره‌گیری از کشت مواد مخدر در افغانستان، خود به تولید و کشت مواد مخدر همچون تریاک و حشیش در برخی از مناطق مثل «محلبيه» و «حمام‌العلیل» پرداخته است. پیوند

^۱. Cannabis

میان تروریسم، کشت و فروش مواد مخدر به گونه‌ای است که بسیاری از تحلیلگران بین دو ارتباط مستقیمی برقرار نموده‌اند. چنانچه با افزایش فعالیت گروههای تروریستی، تجارت مواد مخدر نیز افزایش یافته است (میرترابی و کشوریان آزاد، ۱۳۹۷: ۱۵۷-۱۵۶).

همان طور که در مقدمه مقاله گفته شد، مجموعه شرایطی در محدوده مورد مطالعه شکل گرفته است تا قاچاق مواد مخدر به یکی از معضلات اصلی برای سه کشور منطقه هلال طلایی تبدیل شود. در واقع اگر روند مدیریت مرزی را برای مسأله امنیتی و دفاعی یعنی تعرض کشور همسایه به کشور دیگری بررسی کنیم مشاهده می‌شود که مرزها به شدت و دقت مورد توجه و نگرانی هستند؛ ولی در ارتباط با قاچاق مواد مخدر، کالا و انسان، ضعف مدیریتی را می‌بینیم. با توجه به اینکه هر سه کشور از زمره کشورهای جهان سوم و در حال توسعه هستند، کمبود اشتغال و کسب درآمد در مناطق مرزی هر سه کشور به شدت وجود دارد؛ قومیت‌گرایی و تفاوت‌های قومیتی در مناطق مرزی آنها دیده می‌شود؛ نقش فعال کشورهای خارجی در حمایت مالی از قاچاق برای تروریستها مشاهده می‌شود؛ دیدگاههای سیاسی و بعضاً اختلاف راهبردی میان دولتمردان هر سه کشور و دیدگاههای ایدئولوژیک و مذهبی در میان مردمان منطقه هلال طلایی، از نمونه شرایط و مسایلی هستند که باعث شده است تا پدیده قاچاق مواد مخدر و ترانزیت آن، رونق بسیاری داشته باشد. برای مثال مسایل و چالشهای امنیتی، اجتماعی و سیاسی ناشی از مرز و منطقه مرزی شکل گرفته میان ایران و افغانستان، رفتارهای چندگانه‌ای را ایجاد کرده است؛ ولی آنچه که باید اشاره کرد این است که «در صورت ناپایداری نهاد حکومت ملی مسئول در افغانستان و نیز تداوم تولید مواد مخدر و همچنین توسعه نیافتگی و تداوم فقر عمومی در مناطق مرزی شرق ایران و غرب افغانستان، کارکرد منفی مرز همچنان ادامه خواهد داشت» (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۳۸۹ به نقل از حافظ‌نیا). یا با گذشت ۷۳ سال از استقلال کشور پاکستان، این کشور هنوز نتوانسته است زمینه دستیابی به آرامش نسبی در درون کشور را بین نیروهای موجود برقرار نماید و با وجود ظرفیتهای انسانی و طبیعی که دارد زمینه پیشرفت و توسعه را فراهم نکرده است. به گونه‌ای که گسترش فقر و ناامنی را در این کشور مشاهده می‌کنیم و چالشهایی را با کشورهای همسایه و عدم توانایی در مدیریت مرزهای خود با آنها بوجود آورده است (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۲۰۲).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

مسایل و چالشهای جهانی و منطقه‌ای برای کشورها، همواره در حال رشد هستند. یکی از این چالشها که در این مقاله به آن پرداخته شده است، معضل تولید و قاچاق مواد مخدر می‌باشد. همان گونه که نقشه‌ها و جداول مورد استفاده نشان می‌دهند، مواد مخدر به یکی از پرسودترین کالاهایی تبدیل شده است که دولتها حتی به عنوان بخشی از شبکه مافیایی آن تبدیل شده‌اند. هر چند دولتها برای حد و حدود قلمرو سرزمینشان، مرزهایی را تعریف کرده‌اند ولی، به دلایل عدم مدیریت صحیح و بعضاً تعمدی، از ورود و خروج مواد مخدر به داخل مرزهایشان و سپس ترانزیت آن به مکان و منطقه‌ای دیگر، همراه و همکار هستند. در نقشه‌هایی که آورده شده‌اند، مشاهده می‌شود که مواد مخدر در در منطقه هلال طلایی و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان یک پدیده بحران‌زا تبدیل شده است که از دلایل آن می‌توان به ورود دولتها و سیاستمداران برای تجارت در این زمینه اشاره کرد. بحران‌زا شدن تولید، و توزیع مواد مخدر و شکل‌گیری مافیای آن که گستره جهان از کلمبیا در قاره آمریکا تا جنوب شرق آسیا و مثلث

طلایی را در بر می‌گیرد، باعث شده تا اصطلاحی به نام نارکوتورورسیم نیز وضع شود. مرگ سالیانه افرادی که درگیر مواد مخدر می‌شوند یعنی چه افرادی که استفاده می‌کنند و چه نیروهای نظامی و مرزبانی که در درگیریها با باندهای مافیایی کشته می‌شوند، از موضوعات مطرح هستند که باید به شکل اجماع جهانی به این مسأله توجه شود. شاید بتوان گفت شهر یا روستایی در جهان نیست که به نوعی با معضل و نتایج مواد مخدر چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم، درگیر نباشد. حال کشور ایران که در همسایگی و جزء هلال طلایی مواد مخدر است با توجه به آمار و ارقام از نمونه کشورهای است که بیشترین آسیبها را دیده است.

مناطق همچون هلال طلایی و مثلث طلایی دو تا از محدوده‌هایی هستند که در ترانزیت و قاچاق مواد مخدر و در نهایت دستیابی به تجارت پرسود آن، با اهمیت و مهم شده‌اند. آمار ارایه شده در بخش تجزیه و تحلیل، بیشتر از هر مکان دیگری متأثر و ناشی از توزیع و ترانزیت مواد مخدر تولید شده در این دو منطقه است. آنچه که باعث شکل‌گیری این‌گونه مناطق چه در آسیا و چه در آمریکای جنوبی (کلمبیا) و حتی در اروپای مرکزی (بازار خرید و فروش) شده است و یا خواهد شد، عدم نظارت و مدیریت دقیق و صحیح مرزهای بین‌المللی و تجارت پرسود مواد مخدر می‌باشد. هر چند در زمینه مدیریت مرزها، الگوها و مدل‌های گوناگونی مطرح شده است ولی با توجه به وضعیت مهم منطقه هلال طلایی، مدل یکپارچه مرزی و رویکرد تصمیم‌گیری یکپارچه و قاطع سیاسی - نظامی بر اساس همین روش بین سه کشور منطقه هلال طلایی، به عقیده نویسندگان و به عنوان دستاورد پژوهشی، می‌تواند بهتر کاربردی باشد. به دلایل دیدگاه‌های متفاوت فکری میان مدیران در سه کشور این منطقه، همچنین سطوح متفاوت توسعه میان کشورهای همسایه و حتی سطح منطقه‌ای، مرزهای زمینی بین‌المللی در هلال طلایی همواره از نظر مدیریتی در مقابله با مواد مخدر مشکل دارند و باعث ایجاد چالشهایی در زمینه‌های تروریسم، قاچاق مواد مخدر، کالا، انسان، مهاجرت غیرقانونی و ... شده‌اند.

منابع

- مصوبه سند جدید چارچوب همکاریهای توسعه‌ای سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران «۱۴۰۰-۱۳۹۶»
افشردی، محمدحسین و جان‌پرور، محسن و احمدی‌پور، زهرا و قصری، محمد؛ (۱۳۹۳)؛ تبیین شاخصهای مؤثر در مدیریت مرزها؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره دوم، تابستان، صص ۳۵-۱.
ایزدی، حسن و دبیری، علی‌اکبر؛ (۱۳۹۲)؛ ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره اول، صص ۹۱-۱۲۶.
جان‌پرور، محسن؛ (۱۳۹۶)؛ نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول و نظریه‌ها)؛ تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران، چاپ اول
حافظنیا، محمدرضا و جان‌پرور، محسن؛ (۱۳۹۲)؛ مرزها و جهانی‌شدن (با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران)؛ تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
دبیری، علی‌اکبر و حافظنیا، محمدرضا و یحیی‌صفوی، سیدرحیم و اخباری، محمد؛ (۱۳۹۶)؛ ارزیابی متغیرهای ژئوپلیتیک مؤثر در شکل‌گیری و فعالیت گروههای تروریستی مطالعه موردی: مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان؛ فصلنامه پژوهشهای جغرافیای سیاسی، سال دوم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۹۲-۱۶۳.

درایسدل، آلسدایر؛ بلیک، جرال د اچ، (۱۳۷۰)؛ جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال افریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم.

شاطریان، محسن و گنجی‌پور، محمود و اشنویی، امیر؛ (۱۳۹۲)؛ تأثیر وضعیت اجتماعی اقتصادی مرزنشینان بر قاچاق کالا (مطالعه‌ی موردی: استانهای سیستان و بلوچستان، بوشهر و کردستان)؛ فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲، تابستان، صص ۱۷۸-۱۵۷.

ظهوری‌حسینی، وحید؛ افغانستان و معضل جهانی مواد مخدر، www.iichs.ir/Upload/Image/139410/Original/f438b895_ed6c

علمدار، اسماعیل و راستی، عمران و زرقانی، سیدهادی؛ (۱۳۹۷)؛ تحلیل پیامدهای استقرار مرز و اجرای طرحها و سیاستهای مرزی نمونه موردی روستاهای مرزی ایران و افغانستان (یزدان، کبوده و مزرعه نظرخان)؛ فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۱، شماره ۴، پاییز، صص ۲۰۰-۱۸۹.

کلانتری، محسن؛ (۱۳۹۵)؛ تحلیل الگوهای فضایی و دامنه برد قاچاق کالا در مناطق مرزی کشور (مطالعه موردی: قاچاق ارزاق عمومی در استان بوشهر)؛ فصلنامه پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۱، بهار، صص ۱۷۵-۱۵۹.

مجتهدزاده، پیروز؛ (۱۳۸۹)؛ سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.

محمدی، حمیدرضا و غنچی، محمد؛ (۱۳۸۵)؛ چالشهای ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تأکید بر ایران، پاکستان و افغانستان)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره اول، صص ۱۲۱-۹۰.

میرترابی، سعید و کشوریان‌آزاد، محسن؛ (۱۳۹۷)؛ تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱)؛ فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۶، پاییز، صص ۱۶۶-۱۳۳.

نارکوتروریسم، خاورمیانه و آمریکا، سایت مرکز تحقیقات، رهیافتها و مطالعات بین‌المللی مواد مخدر، <http://cudras.ir>، ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

Duggan, Ruth A. (2008). A Model for International Border Management Systems; Sandia National Laboratories P.O. Box 5800 Albuquerque, New Mexico 87185-MS1373

Gao, Huan. (2012). Drug Abuse and Drug Trafficking in Asia; https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4614-5218-8_8, pp 115-127.

<http://www.unodc.org/unodc/en/frontpage/2010/November/afghanistan-iran-and-pakistan-strengthen-unodc-brokered-anti-drug-trafficking-initiative.html>

<https://fa.wikipedia.org/wiki>

<https://lawgostar.com>

<https://study.com/academy/lesson/international-internal-boundaries-definition-function.html>

https://www.unodc.org/unodc/en/frontpage/2019/June/world-drug-report-2019_-35-million-people-worldwide-suffer-from-drug-use-disorders-while-only-1-in-7-people-receive-treatment.html

The World Bank and UNODC, (2005). Afghanistan Drug Industry; Doris Buddenberg and William A. Byrd,

UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME, World Drug Report 2014.

UNODC. (2009). Addiction, Crime and Insurgency, The Transnational Threat Of Afghan Opium, Copyright © United Nations Office On Drugs And Crime, Vienna.

Usman, T & Majeed Khan, M. (2013). DRUG TRAFFICKING FROM AFGHANISTAN TO PAKISTAN AND ITS IMPLICATIONS; J.R.S.P., Vol. 50, No. 2, December, PP 25-43.